

آمریکابا انقلاب ایران سرآشتی ندارد و نمیتواند داشته باشد

☆ همه اظهارات مقامات امریکائی هم این واقعیت را تایید می کنند که «مسئله گروگانها» بهانه ای بیش نبوده است. امریکا ایران را میخواهد!
☆ بدنبال حل شدن «مسئله گروگانها»، بهانه جدید امریکا علیه انقلاب ایران «خطر شوروی» است!

هارولد براون، وزیر دفاع دولت کارتر، طی یک نطق خداحافظی، که جمعه شب در پنتاگون ایراد کرد، بار دیگر چهره واقعی امپریالیسم امریکا را به نمایش گذارد و نیات واقعی آنرا درباره ایران بیان کرد. هارولد براون طی این سخنرانی، با صراحت یک کرک درنده و سیری-ناپذیر، (با کلمات خود) اعلام داشت: امریکا ایران را می-خواهد!

هارولد براون گفت: «آزادی گروگانها، ایران و آمریکا را فوراً به یار و غار یکدیگر تبدیل نمیکند و همچنین این امر بمنزله آن نیست که نقش ایران بعنوان مهابری بسر

فعالیت شوروی در منطقه نفت خیز خلیج فارس احیا شود». هارولد براون افزود: «آمریکا باید تاسیس سپاه واکنش سریع را به سرعت دنبال کند، تا از منافع خود حراست نماید. باید پیوندهای نظامی در منطقه با کشورهای مانند عربستان را گسترش داد. باید با کشورهای خلیج فارس همکاری کنیم، تا بینیم چه چیزی از نظر سیاسی قابل قبول است».

داستان امپریالیسم آمریکا و انقلاب ایران، داستان آن کرک درنده ایست که برای دریدن طعمه بی آزار خود، بدنبال «دلایل قانع کننده» می گشت و سرانجام به این «دلیل» که وی شب را

شب نامیده بود، و این از نظر «منطق کرک» «غیر قابل قبول» می نمود، به وی یورش برد و او را از هم درید.

آری، کرک هار و درنده امپریالیسم آمریکا ایران را می خواهد و نه کمتر.

بالاخر از آن، امریکا همه دنیا را میخواهد، هر چند که از خواستن تا توانستن فاصله بعیدی است. او کوبا، ویتنام، لائوس، کامبوجیا، آنگولا و... را نیز میخواست، اما نتوانست و بالاخره اکنون ایران را نیز میخواهد، که خلق و رهبر آن، آگاه و هشیار و قاطع ایستاده اند و او را ناامید خواهند کرد.

بقیه در صفحه ۷



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۲۵
چهارشنبه ۱ بهمن ۱۳۵۹، مطابق با
۱۴ ربیع الاول ۱۴۰۱، بها: ۱۵۰ ریال

امام خمینی: ما که میخواهیم وابسته نباشیم، باید اول پیدا شویم...

بیش از ظهر روز یکشنبه ۲۸ دیماه ۵۹، گروهی از کارگران و کارمندان چاپخانه ۱۷ شهسور یورو گروهی از اعضای صنایع دفاع ملی و دیگر اقشار مردم، در حسینیه جماران، با امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران دیدار کردند.
امام خمینی در سخنان خود خطاب به حاضران، با اشاره باینکه تبلیغات غرب میخواست بما بقولاند که ملت ما شخصیتی ندارد و قادر به هیچ کاری نیست، گفتند:
«این طرز فکر ما را آنطور عقب نشانده بود که اعتقادمان بود که اصلاً از ما کاری ساخته نیست. ارتش ما اگر بخواهد ارتش بشود، مستشار لازم دارد از آمریکا یا از اروپا. باید بقیه در صفحه ۴

مرحله دوم جیره بندی راه هر چه سریعتر به اجرا در آوریم

باید شبکه توزیع تعاونی و دولتی را گسترش داد و
کالاهای جیره بندی شده را سریعتر و نزدیکتر به مصرف-
کننده زحمتکش رساند.

از وعده اجرای مرحله دوم جیره بندی، که طبق آن ۱۰ رقم دیگر به کالاهای ضروری افزوده خواهد شد، چندین هفته می گذرد. معذک این وعده که مردم، بخصوص توده های زحمتکش شهر و روستا، در انتظار اجرای آن هستند، به امروز و فردا موکول میگردد. باید در اجرای این طرح شتاب بخیزد و بدینوسیله در سبک کردن بار گرانی و تامین مایحتاج اولیه به خانواده های زحمتکش کمک کرد.

هشدار فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان - در مورد تدارک ضد انقلاب برای حمله به ارومیه

☆ مائوئیست های ترکیه برای شرکت در توطئه های ضد انقلاب در آذربایجان غربی وارد این منطقه شدند.
فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان - سازمان ارومیه با انتشار اعلامیه ای، مورخ ۲۲ دی ماه ۵۹ در مورد تکوین توطئه های خطرناک ضد انقلاب در آذربایجان غربی هشدار داد. در این اعلامیه آمده است:
همشهریان مبارز و انقلابی! انقلاب شکوهمند مردم ایران و نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران، تاکنون توطئه های رنگارنگ و متسدد «شیطان بزرگ» - امپریالیسم آمریکا، و ایادی آشکار و نهانش را پشت سر نهاده است. ششمن توطئه

رزمندگان دلاور ایران ضربات جدیدی بر دشمن وارد کردند

نیروهای دلاور ایران تاسیسات نفتی بندر فاو در خاک عراق را به موشک بستند و خطوط تدارکاتی و مواضع دشمن را در غرب خونین شهر بمباران کردند. مبارزان ایران روز گذشته تعدادی از سنگرهای تجاوزگران صدامی را در منطقه اروندان در بقیه در صفحه ۴

تسلیت و همدردی صمیمانه

محمدحسن قدوسی، جان خود را در جبهه نبرد با تجاوزگران صدامی نثار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران کرد. شهادت این رزمنده دلیر را به پدر داغدار او، حجت الاسلام والمسلمین آقاسی قدوسی، دادستان کل انقلاب، و خانواده محترم قدوسی صمیمانه تسلیت میکنیم.

رفیق توده ای در مهاباد آزاد شد

بازید شادمانقر، یکی از هواداران حزب توده ایران، که هنگام بردن نامه «مردم» به مهاباد، در راه ارومیه به مهاباد، توسط باند قاسملو دستگیر شده بود، آزاد شده است.

کجا میروی؟!!

کجا میبرندت کجا میروی؟
تگر تا مبادا خطا میروی؟!
بر این گله، گرگان کمین کرده اند
تو ای بره تنها کجا میروی؟!
همه خلق بر راه حق میرویم
تو ناحق نه بر راه ما میروی.
منه دست در دست آلودگان
که نگاه بی دست و پا میروی
سروی تو برخاک افتادگان
که تا میروی پارسا میروی.
کنون خلق درگیر با خصم را
نهاده درین تنگنا میروی.
مبادا که شیطان به پیچاندت
ز راهی که بهر خدا میروی؟!
وفایت کجا رفت ای بی وفا
که از باو فایان جدا میروی؟!
ز نامردمان کج رویها رواست
دریغ از تو گر ناروا میروی!

۶ دیماه ۱۳۵۹
سیاوش کسرائی

در صفحات بعد

تحریف و جعل اخبار بخاطر خدمت به جنگ روانی

چرخش ناگهانی در سیاست آمریکا
صفحه ۳
اهالی روستاهای دهستان مهر بان آماده شرکت در بسیج عمومی اند
صفحه ۵
عدم ایمنی در تونلهای زغال سنگ زرنند باعث کشته شدن چهار کارگر شد
صفحه ۴

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

امام خمینی...

بقیه از صفحه ۱

مستشارانی بیاند تا ارتش ما را بتوانند سرو- سامان بدهند. ما راجع به صنایع اصلا نباید صحبتش را بکنیم. ما یک ملت لولپنگساز هستیم. ما نسبت به صنایع اصلا نباید صحبت بکنیم. این صنایع در پست بعهده اروپائیها و آمریکائیها است.

امام خمینی با تذکر اینکه: «ملتی که نخواهد سربازی خود بپسند و اداره کشور خودش را خودش بکند، لازم است که اول بیدار شود»، گفتند:

«اگر ما از این خواب بیدار نشویم، هرچه فریاد هم بزنیم فایده ندارد. شعارها فایده ندارد و آن شعاری فایده دارد که از روی علم باشد و توجه البته در یک انقلابی و در یک نهضتی اولش شعارها هست که این نهضت را به پیش می برد و اگر آن شعارها نباشد انقلاب نمیتواند پیش ببرد. لکن بعد از اینکه انقلاب پیروز شد، باید عمل کرد».

امام خمینی تاکید کردند که: «ما که میخواهیم وابسته نباشیم باید اول بیدار بشویم باینکه ما خودمان هم شخصیت داریم ما میتوانیم کار انجام بدهیم».

امام خمینی با تاکید بر اینکه: «ما الان در اول قدم هستیم و باید کوشش کنیم و همه ما کوشش کنیم، همه ملت کوشش کنند، هر کس در هر جا که هست کوشش کند و کوششش این باشد که ما باید وابسته نباشیم»، گفتند: «خواستید که سلطنت جائز پهلوی نباشد و ازین رفت. خواستید که قدرتهای دیگر

مرحله دوم...

بقیه از صفحه ۱

توانستند نیازمندی خود را به این کالاها، با اطمینان خاطر و با پرداخت قیمت هائی که تحمیل به بودجه آنها نیست، تامین کنند.

جیره بندی هم چنین به مقامات دولتی امکان داد که در این زمینه ها به صرفه جوئی قابل ملاحظه در واردات فائل گردند و زمینه را برای توسعه تولید داخلی آماده سازند. مثلا، طبق گفته مدیر کل سازمان قند و شکر، طرح جیره بندی باعث شده است که تا حدود ۵۰ درصد در واردات قند و شکر صرفه جوئی شود و مقامات مسئول طرح افزایش سریع سطح زیر کشت چغندر قند و تولید داخلی آن را مورد بررسی جدی قرار دهند.

جیره بندی نه فقط به توزیع عادلانه کالاها کمک می کند و قیمت ها را ثابت نگاه می دارد، بلکه اهم مهمی در قطع وابستگی به خارج است.

با در نظر گرفتن جهاتی که به آنها اشاره شد، تصادفی نیست که مردم زحمتکش و استقلال طلب بی صبرانه در انتظار اجرای مرحله دوم جیره بندی هستند. انتظار توده های وسیع مردم بدرستی آنست که در این مرحله، کالا- های اساسی دیگر، نظیر برنج، گوشت، تخم مرغ، حبوبات، لبنیات، صابون و نظایر آنها، که در بودجه خانواده های زحمتکش اهمیت درجه اول دارند، جیره بندی و سرعیا در دسترس آنها گذارده شود.

باید گفت که قیمت این کالاها از جانب بخش خصوصی بطرز سرسام آوری بالا برده شده و بدرجه ای رسیده که دیگر تامین ساده ترین غذای خانواده های زحمتکش بدشواری میسر می گردد.

با جیره بندی سریع این کالاها و توزیع سهل الوصول آنها با قیمت های ثابت، باید هر چه زودتر در مورد دریافت این کالاها به خانواده های زحمتکش کمک کرد و سد جدی قابل اطمینانی در برابر بالا بردن قیمت این کالاها ایجاد نمود. در جریان توزیع کالاها در مرحله اول جیره بندی، مشکلاتی بروز کرد که اینک می توان، با درویش گرفتن راه حل های اصولی، تا حد زیادی آن مشکلات را مرتفع ساخت. مثلا، در جریان مرحله اول جیره بندی، قند و شکر کارگران کارخانه ها، بجای آنکه از طریق شرکتهای تعاونی مصرف آنان توزیع گردد، به مغازه داران تحویل گردید. این امر باعث شد که کارگران و خانواده های آنان برای دریافت جیره قند و شکر خود به مغازه ها رو آورند، که متاسفانه غالبا در توزیع و تقسیم کالاها جیره بندی شده بدرستی و با امانت عمل نمی کنند.

باید توجه داشت که توزیع کالاها جیره بندی بطور عمده باید از طریق شبکه تعاونی و دولتی صورت گیرد، تا رسانیدن کالا- های ضروری به مصرف کنندگان زحمتکش

بر شما و بر ذخایر شما سلطه نداشته باشند، همینطور شدوالان سلطه ندارند. بخواهید که خودتان اداره کنید، مملکت خودتان را بخواهید که کمک کنید به دولت - تضعیف نکنید دولت را - تضعیف نکنید اشخاصی که خدمتگذار هستند. تمام این اشخاصی که الان مشغول کار هستند، اینها خدمت به شما و ملت شما می کنند. درصدد نباشید که این گروه - آن گروه را عقب بزنند و آن گروه - این گروه را.

● همه درصدد این معنا باشید که با هم این کشور را اداره کنید و این مردم را بیدار کنید. من طرفدار تمام قشرهائی هستم که به این کشور دارند خدمت می کنند. امام خمینی افزودند:

«اشخاصی که در ارتش الان دارند خدمت میکنند، در ژاندارمری خدمت میکنند، در سپاه پاسداران دارند خدمت می کنند، در بسیج دارند خدمت می کنند، کمیته های که دارند خدمت میکنند، همه اینها الان خدمت گزارند. البته در هر دسته و هر جمعیتی پیدا می شوند بعضی از اشخاص غیر صالح. نباید اگر در یک جمعیتی یک آدم غیر صالح پیدا شده تمام آن گروه ها را بگوییم و نباید، بدون دلیل و بدون شاهد، یک مطلبی را قبول بکنیم».

امام خمینی در پایان سخنان خود از همگان خواستند:

«اگر بخواهید که کشورتان مستقل باشد، اگر بخواهید که کشورتان روی پای خودش بایستد و بخواهید آزاد باشید، باید از انبظور مناقشات دست بردارید و همه نظر حسن بکنید و برادروار همه کمک بکنید تا این کشور به مقصد خودش برسد».

هشدار...

بقیه از صفحه ۱

آذربایجان، تشدید فعالیت های افراد بختیار، اویسی، پالیزبان و دارودسته قاسملو و کومله و خلق مسلمانها در این روزها، ایجاد اردوگاه در مرز ایران و ترکیه مشکل از نیروهای بختیار که رئیس حزب منحل رستاخیز در بین آنهاست و اعلام آمادگی جهت حمله، سرعت از پسانک فرهنگیان ارومیه، چسباندن عکس های شاه ملعون و پسرش در معابر عمومی در ارومیه و غیره، از جمله اقداماتی است که نشان دهنده تدارک وسیع ضد انقلاب برای حمله به ارومیه و اطراف آن است، که خود قسمتی از نقشه وسیع براندازی جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می دهد.

ما به تمام مسئولین جمهوری اسلامی ایران و کلیه نیروهای انقلابی هشدار میدهم! لحظه حساس و خطرناکست. منافع خلق و انقلاب ایجاب می کند که برای حفظ دستاوردهای انقلاب، با هوشیاری و آمادگی کامل، علاوه بر اتخاذ تدابیر جدی در جهت سرکوبی ضد انقلاب و طرد عوامل مشکوکی که متاسفانه در نهادهای انقلابی رخنه کرده اند و زمینه را برای فعالیت ضد انقلاب هموار می سازند، با گردهمائی و بسیج نیروهای لایزال خلق، زیر رهبری امام خمینی، این توطئه ضد انقلاب را نیز درهم شکنیم.

ما به تمام مسئولین جمهوری اسلامی ایران و کلیه نیروهای انقلابی هشدار میدهم! لحظه حساس و خطرناکست. منافع خلق و انقلاب ایجاب می کند که برای حفظ دستاوردهای انقلاب، با هوشیاری و آمادگی کامل، علاوه بر اتخاذ تدابیر جدی در جهت سرکوبی ضد انقلاب و طرد عوامل مشکوکی که متاسفانه در نهادهای انقلابی رخنه کرده اند و زمینه را برای فعالیت ضد انقلاب هموار می سازند، با گردهمائی و بسیج نیروهای لایزال خلق، زیر رهبری امام خمینی، این توطئه ضد انقلاب را نیز درهم شکنیم.

است. تحکیم و تعمیق وقفه ناپذیر انقلاب، امپریالیسم آمریکا و طیف دستیاران داخلی و خارجی اش را واداشته است که این بار، در آستانه توطئه هفتم خود، متحدا دست به توطئه های وسیعتر و گسترده تر از توطئه های پیشین بزنند.

امپریالیسم آمریکا در آستانه هفتمین توطئه خود، علاوه بر اعزام نیروهای نظامی خویش به منطقه خلیج فارس و تسلیم رژیم های وابسته در حوزه خلیج فارس، در داخل ایران، فعالیت های تروریستی، درگیری، اغتشاش و اعتصاب را سازمان می دهد. در چنین شرایط حساس و سرنوشت ساز، اخبار و اطلاعات موجود نشان دهنده اهمیت است که امپریالیسم آمریکا، در نقشه عملیات براندازی خود، برای استانهای کردستان و آذربایجان غربی قائل است. طبق اطلاعات واصله، در هفته های اخیر رفت و آمدهای مشکوکی در مرز ایران و ترکیه صورت گرفته است و عده ای از مائوئیستهای ترکیه جهت تکمیل نیروهای ضد انقلاب در منطقه، به آذربایجان غربی وارد شده اند. مسافرت های متعدد بختیار به منطقه سرو در

این هفته در نامه «مردم» به زبان کردی میخوانید:

چنین بود که صفا از هم جدا شدند

درباره سفر ضیاءالحق به ۶ کشور وابسته به امپریالیسم آمریکا می گوید با ایجاد یک اتحادیه نظامی انقلاب ایران را هدف قرار دهد.

درباره سخنان اخیر آقای مهندس میر سلیم، معاون سیاسی وزارت کشور دفا تر حزب توده ایران را بازپس دهید!

هشدار سازمان حزب توده ایران در سنجند درباره تشدید فعالیت ضد انقلاب میان دانش آموزان دبیرستانهای کردستان - اعلامیه سازمان حزب توده ایران در پانه

مشاور ریگان نقشه اشغال ایران را مطرح کرد

پیام سازمان جوانان توده ایران به اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطینی (کوپس) به مناسبت شانزدهمین سال انقلاب فلسطین

هر چه سریعتر زمینهای زراعتی کردستان را به زارعین واگذار کنید

در عراق چه می گذرد؟ و اخبار، داستان طنز، شعر.

رزمندگان...

بقیه از صفحه ۱

حاشیه رود کارون منهدم کردند و ۱۲ نفر از نیروهای دشمن را از میان بردند.

اطلاعیه شماره ۳۷۸ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران حاکی است:

در روز ۲۸ دیماه در منطقه

دزفول، در نتیجه تیراندازی توپخانه مبارزان شجاع جمهوری اسلامی ایران، متجاوزان بخشی از مواضع و محلهای استقرار خود را از دست دادند. در این عملیات تعدادی از افراد دشمن نیز به هلاکت رسیدند.

در منطقه اهواز یک دستگاه تانک و یک دستگاه نفرساز مزدوران نابود شد. در منطقه

آبادان یک دستگاه لودر ارتش عراق به آتش کشیده شد و تعدادی از نفرات تجاوزگر دشمن کشته و زخمی شدند.

در منطقه ماهشیر چهار دستگاه خودروی نظامی ۲ دستگاه تریلر و ۲ دستگاه بولدوزر قوای دشمن منهدم و بیشتر از ۵۰ نفر از نیروهای دشمن کشته شدند.

فعالیت ضد انقلابی گروهک های مائوئیستی - آمریکائی در کرج

گروهک های مائوئیستی - آمریکائی در کرج هم، مانند نقاط دیگر ایران، می کوشند که با اجرای سناریوی «خواب گن»، حمله نظامی کن، اذهان مردم را از خطر اصلی منحرف سازند و زمینه را برای توطئه هفتم آمریکا آماده کنند. در متن این توطئه ها و حرکت اسلامی افغانستان، که چندی پیش رهبران آن بدست بسوس سادات رفتند، نمایشگاهی در کرج برپا کرده است. در سرتاسر این نمایشگاه کلمه های از توطئه های امپریالیسم آمریکا علیه ایران و تشبیهات این جرثومه فساد علیه افغانستان دیده نمی شود. تنها چیزی که در این نمایشگاه می توان دید این است که: خطر آمریکا جدی نیست، اما «خطر شوروی» جدی

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

علاقتمندان می توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کیمنش ربه شماره ۳۲۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.

بیش از پیش ضرور است. باید هر چه سریعتر راه را بر این فعالیت های آشکارا ضد انقلابی بست.

ما بنوبه خود، با توجه به خطر فوری و جدی امپریالیسم آمریکا، از نهادهای انقلابی می خواهیم که توجه کافی به این مسئله مبذول دارند.

تغییر ناگهانی در خط مشی سیاسی ایالات متحده آمریکا، که در دسامبر سال ۱۹۷۹ از جانب کارتر رئیس جمهور آمریکا اعلام شد، برای مفسران روزنامه های آمریکا بی غیر مترقبه بود و آنان را دچار حیرت کرد. این چرخش در روابط ایالات متحده آمریکا با اتحاد شوروی، و به عقیده بسیاری از مفسران، حتی در روابط آمریکا با بخشی از متحدین او شکافی پدید آورد. اما به هر جهت این چرخش می بایست بگونه ای توجیه شود، و برای توجیه آن مفسران آمریکایی تمام کوشش خود را به کار بردند، آن ها این چرخش را چنین توجیه کردند که گویا علت آن "عدم تفاهم" میان مقامات رهبری شوروی با آمریکا است. مفسران و روزنامه نگاران آمریکایی صدها خوانندگان خود تلقین می کردند که در اثر عدم تفاهم و عدم درک نیات آمریکا و به ویژه جریان و تشریفات تصمیم گیری از جانب آمریکا، این بحران پدید آمده است. آن ها اعلام می کردند که برای "روس ها" باید روشن باشد که اقدام آنها در افغانستان از جانب کارتر بدون عکس العمل نخواهد ماند و به همین جهت گویا مسئولیت پدید آمدن چنین وضعی کاملاً بر عهده آنهاست. در یکی از گزارش ها درباره چگونگی روابط شوروی و آمریکا بدستور اداره روابط بین المللی، تا قبل از روی دادهای افغانستان تنظیم گردیده، سیاست کارتریک سیاست روشن، درست و معقول، که نیازی به هیچگونه توجیهی ندارد و سیاست شوروی، سیاستی مبتنی بر تصورات نادرست از زندگی سیاسی آمریکا ترسیم شده است.

فلورا لوتنیز، خبرنگار ویژه "نیویورک تایمز" در اروپا، زمانی که در روزهای مسابقات ورزشی المپیک به مسکو آمد، به این مطلب پی برد که "این عدم درک خطرناک" از جانب دیگری است. او با یک زن آمریکایی از شهر "فینیکس"، که به قصد تماشای بازی های المپیک به مسکو آمده بود، ملاقات کرد و این زن آمریکایی اظهار داشت که از مسافرت به اتحاد شوروی و اقامت در مسکو بسیار راضی است و به این مطلب پی برده است که اتحاد شوروی با آن تصویری که تا قبل از این مسافرت درباره آن داشته است بهیچوجه شباهت ندارد و یقین حاصل کرده است که، در اتحاد شوروی، در همه جا مظاهر آزادی کامل را می توان مشاهده کرد. این زن آمریکایی می گوید که تا قبل از مسافرت به اتحاد شوروی گمراه بوده است و فلورا لوتنیز، خبرنگار "نیویورک تایمز" می افزاید: "حالا هم گمراه است". (نیویورک تایمز، ۲۵-ژوئیه ۱۹۸۵)

من قصد ندارم در باره این مسئله و اظهار نظرهایی که به آن ها اشاره شد، به بحث بپردازم. اما می خواهم روی تصورات مطبوعات بورژوازی آمریکا در مورد واقعیت اتحاد شوروی تکیه کنم. این مسئله تاریخ دیرینه و در واقع شصت و سه ساله دارد، یعنی از لحظه پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر آغاز می شود، که در ارتباط با روی داد های سال جاری، به نحوی برجسته و روشن، متجلی گردید.

شما عکس بفرستید من جنگ را راه می اندازم

در سال ۱۸۹۷ "ویلیام راندولف هرست"، صاحب امتیاز "نیویورک جورنال"، تلگرافی به مضمون زیر، که شهرت تاریخی دارد، به خبرنگار روزنامه خود در هاوانا مخابره کرد:

"شما عکس بفرستید و من جنگ را راه می اندازم!"

در واقع هم خبرنگار، عکس و تصویر

کند. مثلاً مطبوعات "وزین" از اساس تصاویر هیجان انگیز انسان هایی که در زیر عذاب و شکنجه های قاتلان خود جان می دهند، احتراز می کند و از شیوه های با اصطلاح با فرهنگ استفاده می کند، تا ظاهر حق به جانب را حفظ نماید. در انگلستان "تایمز لندن" و در ایالات متحده آمریکا "نیویورک تایمز" و "واشنگتن پست" را از جمله این گروه روزنامه ها می توان نامید.

بدین ترتیب، میان مطبوعات یک تقسیم کاری به وجود می آید. برای طبقات حاکمه و بخش اعظم قشرهای میانه، که شایستگی آن را دارند، روزنامه هایی تخصیص داده می شود که پیش داوری ها و کهنه پرستی های آنان را تا سطح نزاکت و موازین اخلاقی امروز ارتقاء دهد و به استحکام

معتقدات مشخص آنان یاری نماید. این روزنامه ها توصیه ها و مشورت های "عقلانه ای" در امور سیاسی ارائه می دهند و می آموزند که به چه نحوی بهتر می توان شرافت و وجدان را با موحش ترین جنایات در تاریخ، که ما می دانیم چه کسی مرتکب آن ها شده است، هم آهنگ ساخت و سازش داد.

اما برای توده های وسیع مردم مطبوعاتی اختصاص داده می شود که بطور مستمر در مورد مهم ترین رویدادها آنها را گمراه می کند، توجه آنان را از مسائل و مشکلات روزمره آنان منحرف می سازد، روحیات و احساسات ناسیونالیستی و شوونیستی آنان را برمی انگیزد و بدترین گرایش ها در این زمینه و حتی جنبه های نامعقول شعور و آگاهی آنان را تشویق و ترغیب می کند و با آنها را به "میهن دوستی"، "به دفاع از دمکراسی" و مبارزه علیه "کونیسم ملحد و مفسده جو"، فرا می خواند.

این مطبوعات همواره گناه و تقصیر هر فاجعه اجتماعی و تاریخی را که، زاینده خود نظام سرمایه دار است به گردن قربانیان آن، به گردن "سرنوشت"، به گردن "خدا" و یا "دشمن" می گذارند و مقاصد و منظورهای شیطانی را به آن ها نسبت می دهند. من این سطور را قبل از انتخابات نوامبر ریاست جمهوری در آمریکا - نویم و می بینم آن قانونمندی که من خاطر نشان کرده ام، چگونه دوباره تحقق می یابد. مثلاً این اظهارات ریگان گواه این مطلب است. ریگان در نطق انتخاباتی خود اعلام کرد:

"مواضع ما را (منظور مواضع حزب جمهوری خواهان است) با پنج کلمه ساده، که همه خوب با آن ها آشنا هستند، می توان بیان کرد. ما به هیچ گونه تئوری - های عالی اقتصادی نیاز نداریم، ما به هیچ گونه موعظه های سیاسی و فلسفی نیاز نداریم. ما به پنج کلمه کوتاه: خانواده، کار، مسکن، آزادی و صلح نیازمندیم.

به نظر خواننده چنین نمی آید که در پس این شعارهایی که تا مرز ابتدال ساده شده اند، آن روش سیاسی نهفته شده است که فرمول معروف و تاسف انگیز "فرزند، مطبخ و کلیسا" را در خاطر هارنده می کند، که شایسته هادرزمان خود برای زنان آلمان تهیه کرده بودند؟

در دوران ما، این وضع بویژه خطرناک است که هر دو حزب بزرگ بورژوازی آمریکا، در خطوط کلی سیاست خود به یک نظر رسیده اند، که موجب چرخش شدید برآست میشود، یعنی سیاست اعمال فشار شدید به جهان

است - که با اولین خبرنگار خارجی که بر خورد می کند، با طایب خاطر به درددل و پیر حرفی می پردازد، بخوبی آشنایی داریم.

منحصص دیگری در امور شوروی، "دیپلمات غربی" است. نام این "دیپلمات" را هرگز نمی آرند، اما استعداد او توانایی او در آگاهی به محتوای واقعی و نامرئی زندگی شوروی، مانند احکام مقدسه به خواننده تلقین می شود. اظهارات این "دیپلمات" را هم مانند آن خبرنگاری که منبع اخبارش "شهروند ساده شوروی" است، نمی توان بررسی کرد و به صحت و سقم آن پی برد. زیرا فاکت و رقم به همان اندازه در آن نادر است که دندان در دهان مرغ. خبرنگاران آمریکایی اگر شکل تازه ای برای رپورتاژ ابداع نکرده باشند، حداقل شکل کهنه آن را به سطح تازه ای رسانده اند. منظور من رپورتاژهایی است که مطلقاً بر پایه شایعات، شوخی ها اظهارات بدون نام گوینده و بدون استناد به سند و آمار رسمی و واقعیات آنگار و شرایط مشخص و معلوم، تهیه می شود. این ها منابع "قابل اعتماد" اخبار درباره واقعیت شوروی هستند، که معمولاً

عنوان خبرنگار "دیپلیرولند" (و باید اضافه کنم در سراسر زندگی آگاهانه خود) من با علاقمندی ویژه ای ناظر آن بودم که چگونه حقایق درباره اتحاد شوروی را خبرنگاران "نیویورک تایمز"، "واشنگتن پست"، "لوس آنجلس تایمز"، "یونایتد استیتس نیوز اند رپورت" و دیگر مطبوعات، که من امکان داشتم اخبار آنها را در محل بررسی کنم، بدست می آوردند. و باید بگویم که اگر من کسی نبودم که به شیوه های تبلیغاتی بورژوازی آشنائی کامل دارم و بجای همان بانوی سالمند از "فینیکس"، که در آغاز این مقال از آن یاد شد، بودم، میتوانست تصورات عجیب و غریبی درباره واقعیت اتحاد شوروی در من بوجود آید.

باز میگردیم به فلورا لوتنیز، خبرنگار "نیویورک تایمز"، که جهانگرد ساکن "فینیکس" را، که ممکن بود آنقدر ساده لوح باشد که انتظار داشته باشد مردم شوروی را در غل و زنجیر و یار حالیکه راکت را برای پرتاب دور سرشان می چرخانند، مشاهده کند، به یاد تسخیر گرفته است.

اما اظهار نظرهای خود فلورا لوتنیز، خبرنگار نگار "نیویورک تایمز" که در آنجا به این جهانگرد استناد شده و گویا مبتنی بر "درک" عمیق واقعیت شوروی است، که در دوره اقامت در مسکو در روزهای بازدیدهای المپیک بدست آمده به اندازه کافی گویا هستند. خبرنگار ویژه "نیویورک تایمز" می نویسد:

"مقامات شوروی در واقع مساعی عظیمی بکار برده اند تا تا خاطرات و تأثیرات خوبی در مهمانان بازدیدهای المپیک بگذارند. او بدین وسیله این تصور را تلقین میکند که اگر این مساعی عظیم بکار برده نشده بود خاطراتی که در مهمانان مسکو پدید می آمد، نه فقط خاطرات بدی بود، بلکه بحدی بد بود که مهمانان از مسافرت به مسکو برای سراسر زندگی پشیمان و مایوس باز می گشتند. پس مقامات شوروی چه اقداماتی بعمل آوردند که چنین خاطرات بدی در مهمانان بوجود نیاید؟ برای این منظور آنها ناراضیان و خردسالان را، که به نظارت بر رفتار آنان ممکن بود خالی از اشکال نباشد، از مسکو خارج کردند. و همین بس!

فلورا لوتنیز در تأیید این نظریات "بر معنای خود" به "شهروندان ساده" شوروی "استناد میکند که بر حرفی و ذهن - لقی آنها از مرز بندار گرایشهای مافوق تصور هم گذشته است. ماکه طی سال - های مدیدی مرتب اینگونه اخبار را مطالعه میکنیم، باین نام مستعار "شهروندان ساده شوروی" که محصول خیال بافی های روزنامه نگاران غربی

چرخش ناگهانی در سیاست خارجی آمریکا

خبرنگاران غربی رپورتاژهای خود را بر اساس آن ها تهیه می کنند. منبع دیگری هم وجود دارد و آن "ناراضیان" است. گرچه هنوز هم از این منبع استفاده می شود، ولی در دوران اخیر در نتیجه تکرار مکرر استناد بر آن ها، اعتبار این منبع از دست رفته است. افکار عمومی بین المللی امکان یافت که از نزدیک با این "ناراضیان" آشنا شود و در میان آن ها عناصر شریف و خیراندیشی را نیافت. این "ناراضیان" یک مشت زن و مردی هستند که بیش از هر چیز، به قیمت کالاهای خود، یعنی افتراهای ضد شوروی، و بر حسب درجه حرارت سیاسی لحظه، که در کابین های استراتژی های سیاسی غرب تعیین میشود، مورد استفاده قرار می گیرند.

اما در مقاله فلورا لوتنیز، خبرنگار "نیویورک تایمز"، نکته دیگری نیز وجود دارد که با وضوح کامل نشان می دهد که مفهوم "زندگی شوروی" از چه عناصر و اجزایی برای این روزنامه نگار آمریکایی، که به مسکو مسافرت کرده است، پدید آمده است. این مطلب از آن جمله ای روشن می شود که در آن گفته می شود:

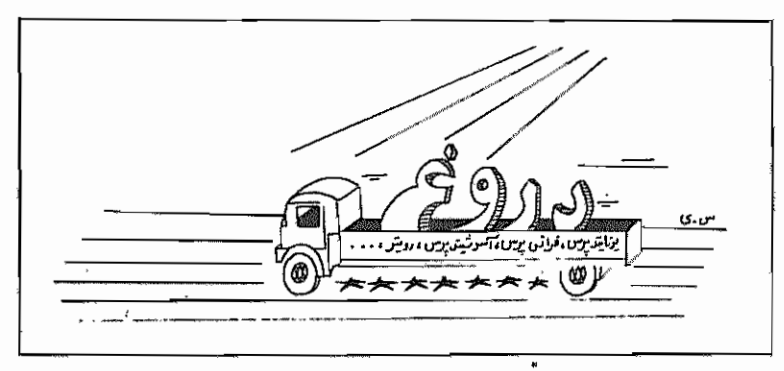
"... از جمله خروج کودکان از مسکو، که ممکن است از زیر کنترل خارج شوند". ابتدا این اندیشه در صفحات "انتر - ناشال هرالد تریبون"، چند ماه قبل از آغاز بازی های المپیک مسکو، نمایان شد و معلوم بود که از جانب شخص - معینی این اندیشه به مطبوعات کشانده شده است، که به خوبی می دانند که هر سال در فصل تابستان، بسیاری از کودکان را از مسکو به اردوگاه های استراحت، به نقاط خوش آب و هوای حومه شهر می برند. این عمل، که با مقیاس عظیمی و نه تنها در مسکو، بلکه در شهرهای دیگر اتحاد شوروی انجام می شود، گواه بارز آن توجه و اهتمامی است که در اتحاد شوروی نسبت به استراحت و سلامت نسل جوان معطوف می شود. تزویرنهانی که در تنظیم این خبر به کار رفته، عبارت از آنست که از آن چنین استنباط می شود که، کودکان شوروی را به منظور "حلیوگیری" از تماس بقیه در صفحه ۶

بقیه در صفحه ۶

تحریر و جعل اخبار بخاطر خدمت به جنگ روانی

طبقه بندی روزنامه نگاری در آمریکا و غرب

البته روزنامه نگاری "وزین" در آمریکا و عموماً در غرب سالهای مدیدی است که سعی دارد از مطبوعات به اصطلاح "زرد"، که استعداد احفانته ترین دروغ - پردازان بهار ادراند، فاصله خود را حفظ



نامه پرمضمون یکی از کارگران مبارز کهسال به نامه «مردم»:

کار باید مایه شرف و افتخار باشد

شاید ما که برای کشور جمهوری اسلامی دست اندرکار تهیه قانون کار جدیدی هستیم، من نمی دانم چه کسانی به تدوین قانون کار مشغولند. آیا آن کسانی که به این کار بزرگ پرداخته اند، به مسئولیت خود واقفند؟ آیا خود عملاً "کارگری کرده اند و از دردها و آلام این طبقه محروم مطلعند؟

من می خواهم راجع به قانون کار مطالبی بنویسم. اما گمان نکنید چون خودم کارگر هستم، می خواهم سنگ خودم را به سینه بزنم. نه، بهیچ وجه چنین نظری ندارم. اصلاً از من گذشته که بخواهم راجع به مادیات حرف بزنم. من شصت سال عمر و چهل سال کارگری توأم با فقر و مذلت را پشت سر گذاشته ام و در حال حاضر آن چیزی که بدردم نمی خورد، پول است، یعنی نمی توانم خرج کنم. شاید برای بعضیها تعجب آور باشد.

کارگران باید در تدوین قانون کار سهیم باشند

اما باور بفرمایید عین حقیقت است. آن روزها که جوان بودم و می توانستم بخورم، بهم ندادند. ظهر که می شد دو تا سیخ جیگر و یه نیکه نون بربری کنار دیوار کارخانه سق می زدیم. همیشه نصف شکم خالی بود. پاره وقتها می گفتم تف به این دنیا و گلی به جمال آخرت. حالا که نمی توانم چیزی بخورم. مواد قندی و چربی برایم مضر است. میوهجات و سبزیجات حتی نمک برایم مضر است. معده ام بر اثر بدی تغذیه زخم شده و روده هایم بر اثر کم خوراک خشک شده با این احوال اگر پول مولی داشته باشم، باید بگذارم واسه وراثت اینارو نوشتم که باور کنید برای خودم نمی گویم. اصلاً برای کارگراهم نمی گویم، چون آنها هم کمابیش به فقر و مسکنت و هتک حرمت و جنوب

قانون کار باید مظهر احترام به شخصیت کارگر و مقام والای او در جامعه باشد

شهرنشینی و بالاخره، فرورفتن تساخترخه در فقری به نام زندگانی کارگر خو گرفته اند. برای وطنم میگویم. برای آینده این آب و خاک میگویم. می خواهم بگویم، اگه می خواهید کشوری آباد و آزاد و مردمانی مرفه داشته باشید، باید یک قانون کار سلیس و درخور یک کشور انقلابی داشته باشید. شخصی که به خارج سفر کرده بود، می گفت از یک کارگر اسفالت کار پرسیدم چقدر حقوق می گیری؟ جواب داد روزی چهل فرانک و از یک مدیر فروشگاه پرسیدم. او گفت روزی هیجده فرانک. وقتی علت این تفاوت را جویا شدم، طرف گفت من کارم راحت و اسفالت کار کارش

جمهوری اسلامی ایران باید از چنان قانون کاری برخوردار باشد که بتواند تمام اقشار مردمی را به کار و کوشش جذب کند

سخته. حالا بیایید وضع را با کشور خودمان مقایسه کنید. هرکس بخواهد به دیگری توهین کند، می گوید برو عمله. در صورتی که تمام این بناهای قشنگ را همان عمله ها ساخته اند و بعد از اتمام کار با آنها اجازه ندادند که پای دیوار آن عمارت بنشینند و نان و سرکه شیر خود را بخورند. در اینجا بالای درب باشگاه کارمندان می نویسند ورود سگ و کارگر ممنوع است. بسیاری از کارگران ما در موقع زناشویی خودرا کارمند معرفی می کنند. چرا؟ برای آن که کمتر دختری حاضر می شود زن کارگر باشد. و باز هم چرا؟ برای آنکه قانون کار کارگر را بدبخت و تو سوری خور معرفی می کند. البته نه قانون کار، بلکه نویسنده قانون کار مقصر است.

یادم میاد میاد توی شرکت نفت، آن وقتها که هنوز جوشکاری اختراع نشده بود، تانکها را با میخ پرچ می ساختند. یه روز، یه کارگر جوان در حین میخ پرچ کاری زده بود زیر آواز. وقتی صاحب آمد و دید بدش آمد. یه تیشی برداشت و رفت بالا و کوبید پس کله جوان بیچاره. جوانک بدبخت از آن بالا تالایی افتاد پایین ما نفهمیدیم مرد یا زنده ماند. آخه تا وقتی که ماشین آمد و او را برد جرات نمی کردیم برگردیم و نگاه کنیم. هیچ قانونی از آن بیچاره دفاع نکرد. میگویم کشور ما دارای هفت هزار سال تاریخ است. پس چرا به ما کشور عقب مانده اطلاق می شود؟ به خاطر آنست که به کار و کارگر اجر و منزلتی داده نمی شود و این نیز تقصیر قانون کار است و نویسنده آن. آخه قانون نویس که پای کوره کار نکرده. او که زباله جمع نکرده. او چه می دونه. او می که همینکه از گشنگی نمیره بسه. و همینکه زنده بمونه و فردا بازم بیاد سرکار بسه. اینقدر باشه که سرش به آخور خودش باشه. کارگره، دیگه بیمه که داره و بازنشستگی هم کسه داره. دیگه چی می خواد؟

اما بازنشستگی! بیایید و وجدان خود را قاضی قرار بدهید. بیشتر اطباء این کشور متفق القولند که میانگین عمر مردم کشور ما شصت سال است. تازه این برای اشخاصی است که در محیط سالم کارکنند نه آن کارگری که با مواد شیمیایی کار می کند، نه آن کارگری که در نقاط بد آب و هوا کار می کند. اما قانون کار ما بازنشستگی کارگران را در شصت و پنج سالگی تعیین کرده و اخیراً گفته اند اگر می خواهند شصت سالگی بازنشسته شوند، تقاضا کنند. چرا تقاضا کنند؟ این بی انصافی است. این ظلم است. در زمان طاغوت، همه قوانین به ضد کارگران وضع شده بود. حالا هم

گرانی بیشتر از همه گلوئی کارگران رو فشار میده. حال آنکه همین گرانسی وسیله پرورشیدن تجار بزرگ و محترکینه در تمام امور همین طور است. پول می رود طرف پول دار. کارگرها در این باره ضرب المثلی دارند و می گویند: "از پیه میره سر دنبه، که دنبه و رقله" بازتاب این ناهماهنگی ها آن شده که در افواه مردم کارگر فردسی خوار و ذلیل و بی مقدار و مردم می کوشند بهر جان کندی شده یک دیپلم دست و پا کنند، تا لکه ننگ کارگری بدامان نشان نجسید. وقتی هم دیپلم را گرفتند بدببال میز و صندلی صف می کشند. وقتی هم پشت میز نشستند آرزوهای خفته در نهادشان بیسدار

می شود و با هر نوع زد و بندی شده زندگی پر تحمل و لوکسی فراهم میکنند سایرین هم که چنین می بینند برای پشت میز نشینی سرو دست می شکنند. آنوقت است که امکان عمران و آبادانی به صفر می رسد. آخه آبادانی کار لازم دارد. مگر نه؟ بدون کار هیچ کجای دنیا آباد نشده و نمیشه. کارم با زور و با زبان بازی پیش نمیره. حالا هی بگویند کارگر شریف است، عزیزاست، فلان است، بهمان است، فایده ای ندارد. به قول معروف "ز تعارف کم کن و بر مبلغ افزا". باید قانون کار چنان باشد که شور و شوق کار کردن را در مردم مخصوصاً نسل جوان و تحصیل کرده بر-



چهره و دست هایش حکایت از رنج سالیان دارد. انقلاب باید برای این دست هایی که آن را به ثمر رساندند، روزن نجات بگشاید، نجات از استعمار. نجات از بردگی قرون.

عدم ایمنی در تونل های زغال سنگ زرنده باعث کشته شدن چهار کارگر شد

در گفتگویی که با چند تن از کارگران داشتیم، یکی علت حادثه را اهمال مهندسی و تکنسین ها می دانست. چند نفر از کارگران هم علت را در کمبود وسایل ایمنی و حفاظت و سهل انگاری مسئولین در آموزش کارگران می دانستند. یکی از کارگران اظهار داشت که: از کپسول اکسیژن یکی از کارگران تا سه ساعت بعد از وقوع حادثه استفاده شده است و این نشان دهنده آنست که کارگر مذکور مدتی زنده بوده است.

در مورد کمک به خانواده چهار کارگر مزبور قرار شده، حقوق ثابت آنها که حدود سه هزار تومان در ماه است، به آنها پرداخت شود. این حادثه دردناک یکی از صدها سانحه تکان دهنده و مرگباری است که در این تونلها رخ می دهد، و بیشتر آنها در اثر عدم حفاظت و ایمنی و سهل انگاری در آموزش کارگران برای کار در تونلها است. مسئولین امور باید در این مورد توجه بیشتری بکنند تا جان این زحمتکشان، که پشتیبان اصلی انقلابند و کارشان سلاحی است برای مقابله با امپریالیسم امریکا، به خطر نیفتد.

در ارتباط با سانحه فوت تاسف بار چهار کارگر زحمتکش معدن باب نیز، کارگران بدرستی خواهان پی گیری قاطعانه علت اصلی وقوع آن، توضیح این علت برای همگان و مجازات شدید عاملین سهل انگاری و بی توجهی احتمالی هستند. نامه "مردم" ضایعه درگذشت چهارتن از معدنچیان را به خانواده این زحمتکشان، و به دیگر کارگران زحمتکش این معدن تسلیت می گوید، با این امید که کارگران به برکت مبارزه متشکل خود، و با تجمع در سندیکای خویش، ضمن دفاع مستمر از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، شرایط انسانی کار و زندگی خود را به دست آورند.

روز ۱۸ آذرماه ۵۹، حدود ساعت چهار بعد از ظهر، در کارگاه استخراج زغال سنگ "دساندری"، واقع در معدن بزرگ باب نیز (زرنده کرمان) در اثر ریزش کارگاه، چهارتن از کارگران جان خود را از دست دادند. یک تن از کارگران از اهالی زابل و سه نفر بقیه از ساکنین روستاهای اطراف باب نیز بودند. جسد یک تن از کارگران به نام "زعیم باشی" در روزهای اول و سه نفر دیگر هشت روز بعد از زیر آوار بیرون آورده شد.

در گفتگویی که با یکی از تکنسین ها داشتیم، وضع تونلها را اینطور شرح کرد: "در این معدن شیب لایه زغال زیاد است (بین ۷۰ تا ۹۰ درجه) روش استخراج بسیار مشکل است (روش ستونی). همچنین از لحاظ میزان گاز، دهی، به اصطلاح معدن چیان، از نوع درجه اول است. به همین علت حوادث ناشی از گاز در این معدن به مراتب بیش از سایر معادن زغال سنگ است. لذا ایمنی و حفاظت بیشتری را نیز لازم دارد."

به گفته همین شخص، این حادثه که در کارگاهی بطول ۲۵ متر اتفاق افتاد و باعث ریزش ۱۷ متر آن شد، در اثر برتاب گاز زغال (متان) بوده است. ناگفته نماند که برتاب گاز زغال کاملاً اتفاقی است. او در این مورد اضافه کرد که: "گاز متان در لایه و درزه های زغال سنگهای اطراف آن محبوس است و بطور ناگهانی رها شده و باعث حادثه می شود. البته برای این مشکل راهحلی وجود دارد و آن حفاریهای با قطر خیلی کم در سینه کار است که گاز بیرون رود. از راهحلهای دیگر آن اندازه گیری درصد گاز توسط گروه نجات و ایمنی است. که قبل از شروع کار، این عمل را باید انجام دهند و سپس دستور حفر را صادر کنند."

کارگران مبارز ایران! در یک دست با ابزار کار و در دست دیگر با اسلحه، از میهن انقلابی دفاع کنید!

والسلام"

در شماره های گذشته "نامه مردم" به وضع برخی از روستاهای دهستان مهربان، از توابع همدان، اشار کردیم. اینکه به دنبال این گزارش توجه کنید:

قریه حسن تیمور

این قریه در ۹۲ کیلومتری شمال همدان واقع است. در این قریه، که جمعیت آن ۴۵۰ نفر است، ۶۲ خانوار زندگی می کنند، که ۲۷ خانوار خوش نشین اند و بقیه کشاورز مالک این روستا از فئودالهای معروف همدان است، که علاوه بر این روستا، در چندین روستای دیگر نیز دارای زمین های وسیعی است.

۸۵۹ هکتار از زمین های دیمی حسن تیمور اکنون توسط نماینده هیئت هفت نفری، به مدت یکسال، به خوش نشینان واگذار شده است. واگذاری قطعی و قانونی زمین به سال آینده موکول شده است، به همین جهت خوش نشینان این روستا خواستار تسریع در واگذاری قانونی و قطعی زمین اند، تا بتوانند فارغ از توطئه ها و تحریک های فئودالهای این روستا، به کشت وکار بپردازند.

تنها حام این روستا خزینه ای و غیر بهداشتی است. حسن تیمور تنها دارای یک مدرسه ابتدایی است. وضع راه های این روستا بسیار خراب است. با توجه به فرارسیدن فصل سرما، اهالی این روستا احتیاج مبرم به نفت و گاز ژوئیل دارند. لازم به یاد آوری است که زمین های این روستا بسیار حاصلخیز اند و کشاورزان منطقه می خواهند که به سهم خود کمک قابل توجهی به تولید کاشا و رزی کشور کنند.

جهاد سازندگی اقدام به لایروبی برخی قنوات کرد. است ولی این کار به تنهایی کفاف زمین های پروسعت حسن تیمور را نمی دهد. این روستا احتیاج به چاه های عمیق دارد. باید یاد آور شد که اهالی این روستا همگی آماده شرکت در بسیج عمومی اند.

قریه مسجد لر

این قریه واقع در ۹۵ کیلومتری شمال همدان است و نزدیک به ۱۸۵۰ نفر - ۴۵۰ خانوار - در این قریه زندگی می کنند، که ۱۵۰ خانوار خوش نشین و بقیه کشاورز و رزند.

به منظور تهیه بذر، جهاد سازندگی مبلغی را به عنوان وام در اختیار این قریه قرار داد است. مسجد لر فاقد درمانگاه است. ولی دارای یک مدرسه ابتدایی است. وضع راه های

این قریه بسیار خراب و مردم از نظر گاز ژوئیل، نفت و مواد غذایی در مضیقه اند. لذا با توجه به فرارسیدن فصل زمستان شرکت تعاونی باید هر چه سریع تر این گونه کمبود های روستا را برطرف کند.

اهالی روستای مسجد لر آماده شرکت در بسیج عمومی اند و تاکنون گروهی از منقضیان خدمت ۵۶ این روستا به جبهه های نبرد علیه رژیم جنایتکار صدام اعزام شده اند. باید

روی این زمینها آغاز کنند. هیئت هفت نفری همچنین اظهار امیدواری کرده است که واگذاری قانونی زمین را در سال آینده به مورد اجرا گذارد. جهاد سازندگی در این روستا تمام قنوات را لایروبی و آماده بهره برداری کرده است.

در این روستا نیز از پزشک، درمانگاه و داروخبری نیست. وضع بهداشت روستا بسیار نامطلوب و حام آن بصورت خزینه ای و غیر بهداشتی است.

شن ریزی دارد. جهاد سازندگی این روستا اقدام به لایروبی قنوات و همچنین ساختن یک حمام دوشی کرده است. که این امر موجب خوشحالی اهالی روستا شده است. این روستا نیز فاقد درمانگاه، پزشک و دارو است. وضع راه های این روستا نیز بسیار خراب است و احتیاج به مرمت دارد.

اهالی این روستا همچنین ۲ خروار نان، ۵۰ تن انگور و مقداری وجه نقد برای کمک

اهالی روستاهای دهستان مهربان آماده شرکت در بسیج عمومی اند

به جنگ زدگان ارسال داشته اند. توجه مقامات مسئول را به خواستهای به حق این روستائیان جلب می کنیم:

- ۱- واگذاری زمین به صورت قانونی و قطعی،
۲- ایجاد چاه های عمیق جهت تهیه آب،
۳- ترمیم راه و همچنین رسیدگی به وضع آموزش و پرورش.

قریه گمین قلعه

این قریه نیز در شمال همدان و در فاصله ۹۰ کیلومتری این شهرستان واقع است و نزدیک به ۸۵۰ نفر جمعیت دارد. ۱۷۰ خانوار در این ده زندگی می کنند، که ۹ خانوار خوش نشین و بقیه کشاورزند.

مالک این ده دارای ۸۵۰ هکتار زمین است. یکی از دهقانان کم زمین در باره این شخص می گوید:

"مالک نصف زمین های ده را در مالکیت خود دارد. او همچنین مقدار زیادی از زمین های جنگلی را در اختیار گرفته است. او در گذشته ما را مورد آزار و اذیت قرار می داد. پس از انقلاب، ما زمین های این شخص را بین خود تقسیم کردیم." او همچنین افزود:

"هیئت هفت نفری عمل ما را تایید کردند و قول دادند که در سال آینده زمین ها را به صورت قانونی به ما واگذار کنند."

جهاد سازندگی این روستا در حال احداث یک

و غ آموزش این روستا دست کمی از وضع بهداشتی آن ندارد. یکی از اهالی در این باره می گوید:

"بچه های ما در کوچه و خانه سرگردانند و باید فکری به حال ما کنند."

اهالی این روستا آماده شرکت در بسیج عمومی اند و تاکنون نیز منقضیان خدمت ۵۶ این روستا خود را برای اعزام به جبهه های جنگ معرفی کرده اند. مبلغ ۱۳۵۰۰۰ ریال وجه نقد و ۴ خروار نان و انگور نیز برای جنگ زدگان، از سوی اهالی این روستا ارسال شده است. مهمترین خواستهای اهالی این روستا عبارتند از: تقسیم قطعی و قانونی زمین، بهبود وضع آموزش و پرورش و تأسیس حمام و ترمیم راه.

قریه آق بلاغ

این قریه در فاصله ۸۰ کیلومتری شمال همدان واقع است. جمعیت آن ۴۵۵ نفر و دارای ۹۱ خانوار است. خوش نشینان این ده، بدنبال درخواست هیئت هفت نفری، زمین های مالکین این ده را، که ۱۰۰ هکتار است، بین خود تقسیم کرده و به زیرکشت برد دارند.

اهالی آقبلاغ نیز از نداشتن پزشک و دارو در رنجند. آموزشگاه دوره ابتدایی این روستا فاقد معلم است. یکی از اهالی در این باره می گوید:

"علت نبودن معلم، بدی وضع راه این روستا است، چون از واسط پائیز بسته می شود. فاصله این روستا تا جاده نزدیک به ۵ کیلومتر است. این جاده احتیاج به مرمت و

یاد آور شد که ۱۲۵ راس گوسفند، ۴ تن نان و ۲۵۰۰۰۰ ریال پول نقد نیز از سوی اهالی این روستا به جنگ زدگان اهدا شده است.

قریه خبیراخی

این قریه در فاصله ۹۰ کیلومتری شمال همدان واقع است و در آن حدود ۱۴۰۰ نفر زندگی می کنند.

مالکین عمده این ده مجموعاً ۷۰۰ هکتار زمین - زراعتی در اختیار داشتند. هیئت هفت نفری واگذاری زمین، زمین ها را به ۶۸ خانوار خوش نشین واگذار کرده و به زیرکشت برد داشت. از آنجا که هنگام تقسیم زمین اختلافاتی بین اهالی بوجود آمده، بر هیئت هفت نفری واگذاری زمین است که هر چه زودتر واگذاری قطعی و قانونی این زمین ها را به مورد اجرا گذارد. حام این روستا بصورت خزینه و قدیمی و غیر بهداشتی است. راه های این روستا به مرمت و شن ریزی دارند.

قریه شیخ جراح

این قریه در ۹۰ کیلومتری شمال همدان واقع و دارای ۱۵۱۵ نفر جمعیت است. در این ده ۳۱۰ خانوار زندگی می کنند که ۷۸ خانوار خوش نشین و بقیه کشاورز و رزند.

مالک این ده دارای ۷۵۰ هکتار زمین دیمی است. هیئت هفت نفری ضمن مراجعه به این ده، از خوش نشینان خواسته است که این زمینها را بین خود تقسیم و زراعت را بر

حمام دوشی است. جهاد همچنین قنوات این روستا را لایروبی کرده است. که این امر موجب خوشحالی اهالی روستا شده است. این روستا نیز فاقد درمانگاه، پزشک و دارو است. وضع راه های این روستا نیز بسیار خراب است و احتیاج به مرمت دارد.

اهالی این روستا نیز آماده شرکت در بسیج عمومی اند و تاکنون گروهی از منقضیان خدمت ۵۶ این روستا به جبهه های نبرد علیه رژیم جنایتکار صدام اعزام شده اند. باید

روستائیان عبارتند از: خواستهای این روستائیان عبارتند از: خواستهای این روستائیان عبارتند از:

۱- واگذاری زمین به صورت قطعی و قانونی بین خوش نشینان و دهقانان کم زمین و بی زمین،

۲- احداث راه های مناسب،

۳- تهیه مایحتاج عمومی از قبیل گاز ژوئیل و نفت.

در این دسته از دهات دهستان مهربان - استان

همدان - هیئت هفت نفری به حق زمین ها را دیگر در

اختیار بزرگ مالکان باقی نگذاشته است، منتی فعلاً فقط یک ساله آنها را به خود دهقانان واگذار کرده است. همانطور که محمود دهقانان دهات مختلف می گویند:

ضرورت دارد که واگذاری قطعی و قانونی زمین هر چه زودتر انجام شود و چه بهتر که هیئت هفت نفری با حس مسئولیت به مسئله "انتخاب احسن" توجه کنند و در هر جا که امکان پذیر است، زمینها را با مالکیت مشاع به دهقانان واگذار کنند، تا

دسته جمعی و به صورت تعاونی آنها را کشت کنند. این طرز کار هم مانع اختلافات و دودستگی خواهد شد و هم به ازدیاد تولید و استفاده بیشتر از امکانات فنی و مالی کمک خواهد کرد.

بزرگ مالکی علت درگیری و تشنج

است و عامل تشنج و درگیری خود اربابان هستند. مقامات مسئول و انقلابی به روشنی می بینند که تاخیر در اجرای قانون اصلاحات ارضی در عمل به معنای ادامه ظلم ارباب و غارت دهقانان است، به معنای بازماندن دست زمینداران بزرگ در هموار کردن راه تحقق توطئه های جنایتکارانه، امریالیسم آمریکا و ایجاد کانون های خشونت و درگیری است. قانون اصلاحات ارضی در کل روستاهای کشور مان باید هر چه سریعتر اجرا گردد دهقانان زحمتکش همچنین از مقامات مسئول و نهادهای انقلابی انتظار دارند که، ضمن رسیدگی به مشکل آب و همزمان با اجرای قانون، وسایل کار آنان را در اختیارشان قرار دهند، تا بتوانند در "جهاد کشاورزی" فرموده امام، برای بالا بردن سطح تولید فعالانه شرکت کنند.

روستای حسن آباد چاهش، یکی از روستاهای بخش خواجه ربیع واقع در شهرستان مشهد است. در این روستا ۱۰۰ خانوار سکونت دارند. دهقانان بی زمین و کم زمین روستا تا کنون به دفعات با زمیندار بزرگ برخورد داشته اند، که گاه برائت زورگویی بزرگ مالک به خشونت گراییده است. آنان بدین خاطر بکرات دست به اعتراضات دسته جمعی زده اند. مسئله گری و اصلی این دهقانان زحمتکش، زمین است. اهالی تهیدست روستا توانستند اراضی بزرگ مالکان را زیر کشت ببرند، لیکن با افراد حماق دار و مسلح آنها مواجه شدند و در نتیجه عده ای مجروح گردیدند. مشکل دیگر روستائیان، آب، جهت آبیاری زمینهاست. اکنون دیگر بر همه آشکار است که مبارزات دهقانان تهیدست به حق

امام خمینی: به کشاورزان بگوئید مانه طرفدار فتودال هستیم نه طرفدار سرمایه دار.



بزرگ مالک اول: ببینم دشمن ما هم آمریکاست؟

بزرگ مالک دوم: نه بابا، دشمن ما همین هیئت هفت نفری تقسیم زمینها!

شخصی که زیر پوشش «حاکم شرع» دستور آتش زدن کتابفروشی آرش زاهدان را داده بود به جرم اختلاس، سرقت و سوء استفاده از مقام، تحت تعقیب قرار گرفت

* این شخص قبلا هم در آتشافروزیهای کردستان شرکت داشت.

حاکم شرع، قبلی زاهدان، که دستور آتش زدن کتابفروشی آرش این شهر را داده بود، توسط دادسرای انقلاب زاهدان تحت تعقیب قرار گرفت.

همانگونه که در شماره‌های گذشته نامه «مردم» با اطلاع همگان رسید، کتابفروشی آرش در زاهدان، که کتاب و نشریات حزب توده ایران را بفروش می‌رساند، در روز دوشنبه ۲۶ آبانماه ۵۹، توسط گروهی اوباش، مورد حمله و تخریب قرار گرفت و به آتش کشیده شد.

بدنبال این حادثه و شکایت مسئولین کتابفروشی، عده‌ای از مهاجمین شناسایی شدند و تحت تعقیب قرار گرفتند، از جمله ۲ تن بنامهای «علی عمرانی» و «امیر میر».

«امیر میر» شخصی است که در حوادث خرداد سال پیش دانشگاه بلوچستان شرکت مستقیم داشته و با اسلحه یوزی خود شلیک می‌کرد. «علی عمرانی» نیز در طول بازجویی، ضمن اعتراف صریح به اعمال راجه‌نامه خود، گفت:

«حمله به دستور «صفدری» حاکم شرع زاهدان صورت گرفته است».

بدنبال این اعترافات از برنامه اخبار محلی سیمای جمهوری

تحریر و جعل ...

بقیه از صفحه ۳
آن‌ها با مهمانان از کشورهای غربی، به خارج از شهر انتقال داده‌اند. از جنین جبری، یک خارجی، حمساده لوج مانند «بانوی جهانگرد از فنیکس» و چه بانوی کمتر ساده‌لوحی مانند این بانوی توصیف شده توسط خبرنگار «نیویورک تایمز»، احتمال زیاد دارد که نتواند واقعیت را از منظور مغرضانه نگارنده خبر تشخیص بدهند، زیرا در حقیقت کودکان را از شهر خارج کرده‌اند. این شیوه‌ها را به عنوان «نفوذ و رسوخ» روزنامه نگاران بورژوازی به «اسرار روسیه شوروی» به خورد خوانندگان می‌دهند و مقاله فلورا - لوتیز در این مورد هنوز از نمونه‌های برجسته آن‌ها به شمار نمی‌آید. علاوه بر این، باید افزود که مقاله فلورا لوتیز مشحون از استفاده‌های مشروط در ارتباط با بسیاری از گزارش‌های کهنه است، که نسل‌های متعدد خبرنگاران، در زمانهای مختلف، برای روزنامه‌های خود فرستاده‌اند. آن خوانندگان مطبوعات غربی که، با تجربیات چندین ساله با این شیوه آشنا هستند، حتی به طور ناخودآگاه این استعارات شرطی را در می‌یابند، یعنی بین سطوری نوشته‌ها را می‌خوانند و نتیجه‌گیری‌های لازم را، که در واقع کاملا مطابق آن چیز است که نویسنده می‌خواهد به آن‌ها تلقین کند، به دست می‌آورند.

می‌شد، نداشت، به حدی ناگهانی بود که حتی در پاره‌ای از مراکز بورژوازی غرب هم موجب شگفتی و نگرانی گردید و حسی سنوالی در برابر آن مطرح شد که: یک چنین حرخش تند و ناگهانی در تبلیغات به خاطر چیست؟ چه اهداف و مقاصد در پس اخبار و گزارش‌هایی که درباره افغانستان منتشر می‌شود و سراپا تحریف و دروغ بیشترانه است، نهفته است؟ غلو در دروغ برداری در اخباری که تنظیم می‌شده حدی بود که روزنامه‌های که این اخبار را منتشر می‌کردند، اگر قصد نداشتند خوانندگان خود را به درستی آن‌ها معتقد کنند، چنین تصویری را بوجود می‌آوردند که برعکس می‌خواهند که خوانندگان این اخبار را باور نکنند! در عین حال، پاسخ این پرسش‌ها در خصوصیات و موازین اخلاقی و معنویات امریکایی دوران پس از جنگ نهفته است. رکلام، چنانکه می‌دانیم، نقش عظیمی در زندگی امریکا دارد. از محصول روزانه ۱۳۱ هزار عاملین شرکت‌های رکلام، که در نواحی مختلف کشور، سالیانه دو میلیارد دلار هزینه صرف می‌کنند، گرفته تا رکلام‌های بازرگانی در ادیو تلوویزیون و مطبوعات و سرانجام سخنرانی‌های رئیس‌جمهور امریکا بیجا عادت کرده‌اند که از امداد که یک فنجان قهوه می‌نوشند، اعلاناتی را رکلام را بخوانند و تانیمه‌های شب از آن‌ها جدا نشوند. در امریکایی‌ها یک سیستم مکانیسم دفاعی در برابر این هجوم انبوه رکلام‌ها به مغزهای آنان پدید آمده است. اما بهر جهت، اعتبار امریکایی‌ها و نیروی که برای رکلام مصرف می‌شود، برای سازمان دهندگان آن به هدر نمی‌رود، زیرا متن‌های نامرئی این رکلام، مانند تبلیغات درباره شیوه زندگی امریکایی، رسوباتی در آگاهی و شعور آن‌ها پدید می‌آورد. امریکایی‌ها دقیقاً سخنرانی‌های قبل از انتخابات شخصیت‌های سیاسی را نیز همین گونه می‌خوانند. مشکل بتوان سخن ساده لوحی را یافت که این سخنرانی‌ها، هم‌طور که بیان می‌سود، درک کند. اما حاشا که «انتراسال‌هال‌دتریون» مینویسد: «نمایش‌های زندگی سیاسی، اغلب مهم‌تر از فاکت‌های حقیقی هستند. تأثیرات و خاطرات شخصی که، این یا آن نام‌زد ریاست جمهوری، در سخنرانی‌های تلویزیونی خود در سنوندگان باقی می‌گذارد، وزین‌تر از زندگی‌نامه و یا سوابق وی در صحنه سیاسی و قانون گذاری است.»

بدین ترتیب، یک فرد معمولی امریکایی به تدریج عادت می‌کند که محتوای مطلبی را که می‌خواند و یا می‌نویسد، به وسیله استعارات شرطی درک کند، که به منظور بازتاب و تأیید نظریات و پیش‌داوری‌های اقشار میانه بورژوازی و خرده بورژوازی و آمران‌ها و آرزوهای آنان، با دقت انتخاب شده است. خواننده یاد می‌گیرد که در جستجوی حقیقت نباشد و بین این استعارات شرطی، نشانه‌های نمونه‌وار را برای خود برگزیند. در مورد اخبار و گزارش‌هایی هم

که درباره افغانستان سرهم بندی می‌شود، این مطلب صدق می‌کند، زیرا هیچ‌کس کوشش ندارد که خواننده را معتقد سازد که صحت این اخبار را باور کند. خود شیوه خشن و ناهنجاریان آن‌ها، به‌مثابه همان استعاره شرطی است که باید نمایانگر آن باشد که، از باب خشمگین است. این اخبار و گزارش‌ها درست چنین مفهومی را دارند و در آن‌ها به این مطلب که، آیا خواننده می‌خواهد حتی به اندازه ارزنی به حقیقت پی ببرد یا نه، کمترین اهمیتی داده نمی‌شود.

این اخبار باید نشانگر آن باشند که از این به بعد می‌توان هرگونه نزاکت و رفتار مودبانه را کنار گذاشت و از همین باینده نتیجه‌گیری‌های لازم را نمود. زمانی که رئیس‌جمهور امریکا بطور یک‌حانه یک قرارداد (محدود کردن - سلاح‌های استراتژیکی) را که خود زیر آن را امضا نموده، عملاً فسخ می‌کند و یک نمایش جنحالی در مورد تحریم بازی‌های المپیک از جانب ایالات - متحده امریکا به راه می‌اندازد، او نقش چنین اربابی را ایفا می‌کند. هزاران «پادو و خانه‌شاکرد» ایدئولوژیکی، که همیشه گوششان به حرف‌های او است، بیدار از رفتار او تقلید می‌کنند. از دامبر سال گذشته، سیل اخبار و گزارش‌ها از دهلی، پینارو و اسلام‌آباد بر سر خوانندگان امریکایی از نوع «بانوی ساکن فنیکس» جاری شده است. یک روز از این اخبار چنین برمی‌آید که شورشیان به زودی کابل را تسخیر می‌کنند و یا کابل را به محاصره در آورده‌اند و به زودی حمله برای تصرف آن آغاز خواهد شد. اما روز دیگر کوچک‌ترین خبری در این باره داده نمی‌شود. امروز خبر می‌دهند که یکی از وزیران دولت ببرک کارمل، که در تصادمات و اختلافات در میان رهبری حزب - حاکم، که منجر به تیراندازی گردیده کشته شده، امروز دیگر معلوم می‌شود که همین وزیر در مسکو است و مدتی است که برای معالجه بیماری که مدتهاست به آن مبتلاست، به آن‌جا رفته است. مثلا «واشنگتن پست» ۳۰ روئیه را نگاه می‌کنیم. در این روزنامه نوشته شده است: «دبیل‌سماهای مقیم کابل با خبرهایی آشنا شدند که در آنها گفته شده است واحدهای بزرگی از ارتش شوروی و افغانستان به یک حمله وسیع پرداختند و این حمله با آتش‌نیروهای شوروی پشتیبانی می‌شود.» (پس معلوم می‌شود که این اخبار به تیرهای تلگراف آویزان شده بودند که هرکس مایل بود می‌توانست آن‌ها را بخواند) روز دیگر خبر داده می‌شود که یکی از کارشناسان در امور این منطقه، در دهلی اظهار داشت که ممکن است این اخبار با واقعیت وفق ندهد (نام این گونه کارشناس هرگز ذکر نمی‌شود)، یعنی همان شخصی که خود او روز - دوشنبه این اخبار را منتشر کرده بود. باینکه کارشناس بی‌نام، روز سه‌شنبه خبری را که خود در روز دوشنبه

پخش کرده بود، تکذیب می‌کند، اما ترتیل، سخنگوی وزارت امور خارجه ایالات متحده امریکا، در مصاحبه مطبوعاتی خود، به خبری که روز - دوشنبه پخش شده بود، استناد می‌کند. و حالا به گزارش خبرگزاری «یونایتد پرسی اینترنشنال» در اول اوت از مسکو توجه کنیم: «یک افغانی مطلع طرفدار غرب، امروز اظهار داشت که صد نفر افغانی که به مقامات شوروی مراجعه و تقاضا کرده‌اند به آنها امکان داده شود که به کشورهای غربی مهاجرت کنند، در مسکو زندانی شده‌اند، چهار نفر آنها راه افغانستان فرستادند، که بلافاصله در آنجا اعدام شدند. این افغانی که خواهش کرد نام وی ذکر نشود، هم - چنین گفت که احمد قاسم ظریف دانشجوی افغانی دانشکده مکانیک اتومبیل، که از پانزدهم آوریل باز - داشت شده، اعضای خانواده او اظهار کردند که او را به بیمارستان بیماریهای روانی انتقال داده‌اند. از این محافل به ما خبر دادند که در واقع به این دانشجو مواد مخدر تزریق کردند و او درباره دیگر دانشجویان افغانی، که قصد داشتند به کشورهای غربی بروند، اطلاعاتی کسب نمودند...» ماهرگر دانشجوی افغانی، احمد قاسم ظریف، و چهار دانشجوی دوست او را که تقاضا کرده بودند به کشورهای غربی بروند، ولی به افغانستان فرستاده شدند و در آنجا اعدام گردیدند، نخواهیم دید. به این دلیل ساده که اصولا چنین دانشجویانی در حقیقت وجود نداشته‌اند! و اخباری از این قبیل، یکی پس از دیگری، پخش می‌شود که هر یک از دیگری دروغ‌تر و شگفت‌انگیزتر است. صحت هیچ یک از این اخبار را هم نمی‌توان بررسی کرد و مشکل هم کسی پیدا شود که بخواد این کار را بکند. رسیدگی در این مورد عملاً غیرممکن است و این مسئله که این اخبار تاحه حدی با واقعیت تطبیق می‌کنند هم اهمیتی ندارد. با انتشار این اخبار، که آرا جز تمسخر و هتک کچی به عقل سلیم و منطق به چیز دیگری نمی‌توان تعبیر کرد، به‌طور ساده می‌خواهند به خواننده امریکایی تلقین کنند که منطق معمولی، عقل سلیم و موازین عادی رفتار مورد قبول همگانی را، از این به بعد، می‌توان فراموش کرد و به‌کار گذارد. هم‌این دروغ‌پردازی‌ها برای آن نیست که آن‌ها را باور کنند، بلکه هدف از آنها اینست که در خواننده چنین تصویری ایجاد شود که، در کابل هرج و مرج و بی‌نباتی حکم فرماست و به همین علت دولت کارتر در اعمال چنین سیاستی محق است.

آیا روزنامه‌نگاران امریکایی قادر به درک واقعیت زندگی شوروی نیستند؟

عدم درک واقعیت اتحاد شوروی، که در این روزها آفت‌زده روزنامه‌نگاران



مسئولان دادسرا وعده داده‌اند - به پرونده دو مهاجم یادشده هرچه زودتر رسیدگی و مطابق قانون با آنان رفتار شود. فاش شدن هویت «حاکم شرع» قبلی زاهدان، یعنی شخصی که زیر پوشش یک مقام مذهبی - قضائی قبلا در کردستان آتش‌افروزی می‌کرده و سپس به سیستان و بلوچستان رفته است، پارادیکس صحت هشدارهای ما را درباره توطئه‌های وسیع ضدانقلاب تأیید می‌کند. امیدواریم مقامات مسئول با هشجاری و دقت بیشتر مانع اجرای توطئه‌ها شوند و اجازه ندهند که ضدانقلاب در لباسهای رنگارنگ موفق شود سیستان و بلوچستان را به کردستان دوم تبدیل کند.

آمریکایی از آن شکایت ندارند («نیویورک تایمز»، ۳۰ ژوئیه سال ۱۹۸۰، می‌نویسد: «اکثر کارشناسان امریکایی می‌دانند که آنها قادر نیستند اتحاد شوروی را درک کنند») در حقیقت وجود دارد. اما علت آن به هیچ وجه در آن بغرنجی که گویا از دشواری‌های عظیم توضیح‌انگیزه‌های شوروی و یا محرک‌های درونی سوسیالیسم به وجود آمده‌اند، یعنی آن چیزی که مردم شوروی از زندگی می‌خواهند، نیست. این عدم درک عاقلانه ایجاد می‌شود، و در لحظه کنونی از بهانه ساختگی رویدادهای افغانستان برای آن استفاده می‌شود تا این عدم تفاهم تامل‌زایجاد یک‌سکاف غیر قابل عبوری توسعه یابد. با در نظر گرفتن تمام اوضاع و احوال، آیا درک این مطلب دشوار است که افغان‌ها، که طی صدها سال در عقب - ماندگی و فقر و جهالت و بی‌سوادی به سر برده‌اند، صادقانه می‌توانند آرزوی تحولی در وضع خود از راه انقلابی داشته باشند؟ آیدارک این مطلب مشکل است که جراد لر حظه‌ای که گامی‌های انقلابی آنان، که با این همه مشکلات به دست آمده بود، از جانب نیروهای ضد - انقلاب مورد تهدید قرار گرفت، آنها می‌توانستند از یک کشور سوسیالیستی آسایشی در این مطلب تردیدی داشت که هم افغانستان و هم اتحاد شوروی پیشنهاد درباره «تعهد متقابل در مورد عدم مداخله» را، اگر چنین پیشنهادی از جانب دولت کارتر ارائه می‌شد، می‌توانستند به درستی درک کنند، زیرا کابل و مسکو طی چند ماه متوالی به قبول چنین تعهدی دعوت می‌کردند؟ در صورتی که «بانوی سالمندی از فنیکس»، که طی ۶۳ سال زندگی، اراجیف ضد شوروی به خورد او داده بودند، نتوانست در یک مسافرت کوتاه به مسکو، عناصر معینی از حقیقت و واقعیت در اتحاد شوروی را درک کند، پس چگونه است که برای «فلورا لوتیز» از «نیویورک تایمز» و صدها نفر همکاران وی، فاصله و سکاف بیشتری وجود دارد که به آنها امکان نمی‌دهد که واقعیت زندگی شوروی را درک کنند، اما به خوبی به آنها امکان می‌دهد که آن جیره‌هایی را در شوروی ببینند، که در حقیقت اصولا وجود خارجی ندارد؟

حاشا به نظر می‌رسد که بر فرار امریکائیان اروپایی غربی هنوز هم شبح‌های «هرست» و «گریل» در برآورد و یکی از آنها هم جنان برای دامن زدن به تحریکات جنگی عکس و کارت ستال می‌طلبید و دیگری دست دراز می‌کند، تا تاریخ‌نویسی خود را برآورد و دست‌های کودکان بلژیکی را قطع کند و در عین حال گردن حقیقت را با این تریزند.

(از فیلیپ بونوسکی، روزنامه‌نگار امریکایی - مندرج در مجله کمونیست، ارگان تئوریک و سیاسی کمیته مرکزی - حزب کمونیست اتحاد شوروی، شماره ۱۵ اکتبر ۱۹۸۰)

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

کار بیشتر افغانی های مقیم ایران قاچاق فروشی است

* بیشتر افغانی های مقیم ایران امنیت مردم را سلب کرده اند
* مجلس شورای اسلامی باید رسول وحدت و تفاهم باشد

که هیچ اختیاری از نظر دادن حتی به اینها ندارد. باستان این کارتها و پرستنامه ها، عددی نزدیک به ۹۰۰ هزار نفر را می توانیم اعلام کنیم.

آنگاه تقوی، ضمن ناکافی دانستن توضیحات معاون وزارت کشور در مورد افغانی های مقیم منطقه، اظهار داشت:

«هیچکدام از مقامات کشوری به مناطق مرز نیامدند. اکثر اینها مسلحند، قاچاق فروشند، قبل از انقلاب، در حل انقلاب و الان... تمام بزرگ و کوچک منطقه را می شناسند، به هیچکس هم رحم نمی کنند... مردم آن منطقه امنیت ندارند. آسایشی ندارند... یک چیزی هم طلبکار شده اند از مردم منطقه. وقتی به استانداری خراسان مراجعه کردند، دیدم همینها با کمال وقاحت، در استانداری اجتماع کرده اند و سهمیه قند و شکر می خواهند. اینها در منطقه کامیون خریدند، وانت خریدند، بارکشی می کنند. اینها کاری کردند در منطقه روغن نباتی ۵۰ کیلوئی ۵۰ تومن گیر مردم محل نمی آید. برای اینکه همین روغن نباتی کیلویی ۵۰ تومن را آن می گیرد با ۴ کیلو روغن تقلبی خودش مخلوط می کند، کیلویی ۱۵۰ تومن برمی گرداند... مسئله شخصی نبوده، مسئله منطقه، این مسئله کشور است.»

ناطق افزود: «این آمار که آقای میرسلیم دادند، من به این علت می گویم، خودشان هم فرمودند، درست نیست. من در منطقه بودم. یک پنجم آن مردم منطقه هم این کاغذها را برنگردند. در یک مملکتی که خودش در حال محاصره است، در حال جنگ، از همه طرف تجاوز شده به این کشور، یک میلیون و چهارصد و پانصد هزار نفر آدم بخور، نش. این اصلا مسئله ای را آورده است. بعد رفقا می گویند، شما نگوی، هجوم، از هجوم بدتر است. اصلا آن منطقه اهل کار نیستند. اینها بیل به دستشان نمی گیرند. هیچکس ندیده اینها کشاورزی نکنند. کارشان فقط با موتور و کاه یون قاچاق فروشی است. بنابراین من خواهم از دولت، استدعای من اینست، برای حفظ امنیت منطقه شرق کشور، که بحمدالله فلا از یک آرامش خوبی برخوردار است، قبل از اینکه ما دچار یک گرفتاری بشویم، که مسلما معاون وزارت کشور می دانند مسئله چه است، اقدامی نکنند و چون این جواب بیچوجه برای من و برای مردم منطقه و برای مردم ایران هم قابل قبول نیست، استدعایم اینست که سؤال به کمیسیون برون.»

آنگاه سؤال دوم از وزارت کشور مطرح شد. زائری طر سخنانی، ضمن اشاره به سرقت ۸ میلیون تومان پول در تاریخ اول اسفندجاری در بدرعباس، و سرفت مشابه در چندماه قبل، که توسط عامل ضدانقلاب صورت گرفته است، از وزارت کشور در مورد اصل حادثه، پی گیری مسئله و احوال کاری مسئولان سؤال کرد. سپس میرسلیم ضمن اینکه جزئیات حادثه را تشریح کرد، گفت:

«این سرقتها بدست فراموشی سپرده نشده و در دست بررسی هستند.»

وی سپس در مورد ادامه تحقیقا و اینکه عامل سرقت مهاباد شناخته شده است، سخن گفت.

پس از توضیحات معاون وزارت کشور، زائری ضمن سخنانی گفت:

«ما می دانیم چه عواملی کار نمی کنند و مرتب صبر می کنیم که خودشان درست میشوند. مواخذه کنید، آقا. اینها در بعضی موارد، دقت عمل ندارند و نمیخواهند کار کنند. دولت دستور اکید صادر کند که پول از بانکی به بانک دیگر منتقل نشود، مگر اینکه کلیه اقدامات امنیتی از قبل انجام شده باشد. اعلام می کنیم که دیگر تحمل نمی کنیم یک چنین سرقتهایی اتفاق بیفتد.»

در پایان جلسه دیروز، آقای احمدی از نمایندگان خواست: نظر به اهمیت که ترکیب کمیسیون اصل ۹۰ دارد، متن وظایف این کمیسیون را، که در اختیار همه کمیسیونها قرار گرفته است، بدقت مطالعه کنند، تا بشود بهترین نظری را که امکان دارد، اعمال کرد.

جلسه علنی بعدی مجلس امروز ساعت ۸ صبح تشکیل خواهد شد.

سایر نیروها علیه دشمن جنگیدند.
وی آنگاه از مطبوعات خواست که مردم را در جریان تمام مطالب مربوط به جنگ بگذارند.

آنگاه حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی درباره اظهارات فرضی پور توضیحاتی داد و از جمله گفت:
«دادگاههای انقلاب زیر نظر شورای عالی قضایی فعالیت می کنند و فعلا هیچ اسنکال قانونی وجود ندارد.»

سپس مجلس وارد دستور شد و گزارش کمیسیون امور اقتصادی و دارایی در مورد تصویب لایحه «اضافه شدن مدت ۶ ماه به موعد تسلیم ترازنامه و حساب سود و زیان شرکتهای تحت نظارت بنیاد مستضعفان» قرائت شد. در مورد این لایحه چند تن از نمایندگان به عنوان موافق و مخالف سخن گفتند. رضا اصفهانی در مخالفت با تصویب این لایحه، از جمله گفت:

«فلسفه تشکیل بنیاد مستضعفان این بود که حسابها روی یک میزان صحیح رسیده شود و سودی که دارد، به نفع مستضعفین صرف شود. یکسال پیش امام تاکید کردند بنیاد باید هر چه زودتر حسابش را برسد. چطور شده که هنوز ترازنامه ای نتوانسته تهیه شود.»

حجت الاسلام ناطق نوری در موافقت با تصویب این لایحه از جمله گفت:

«اکثر این شرکتهایی که تصیب اینها شده، دفتران زمین رفته است و یکسری مدارکی هست که گویای واقعیتها نیست در مورد این شرکتهای... از طرفی هم مدیریت بنیاد از روزی که تاسیس شده تاکنون، اکثر نمایندگان می دانند، که مرتب تغییر کرده است، و ۳ ماه نمیشود که مسئولیتی را رهبر انقلاب به دولت و جناب نخست وزیر واگذار کرده اند.»

سپس در مورد ورود در شور مربوط به جزئیات لایحه رای گیری شد و مورد تصویب نمایندگان قرار گرفت.

آنگاه تمدید آئین نامه فعلی مجلس تا آخر سال جاری، به رای گذاشته شد و مورد تصویب قرار گرفت.

درباره افغانی های مقیم ایران

سپس سؤال تقوی از وزارت کشور در مورد تعداد افغانی های که به گفته وی «فرصت طلبانه» به ایران آمده اند و ضابطه ای که در مورد کنترل و شناسایی آنان وجود دارد و نیز اقدامات دولت در مورد مشکلاتی که بخصوص مردم قانان در این زمینه متحمل شده اند، مطرح شد.

میرسلیم، معاون وزارت کشور، در این مورد توضیحاتی داد. وی از جمله ضمن اشاره به تهیه پرستنامه های در مورد تهیه مشخصات این افغانیها، گفت:
«بعد از تحقیقات لازم برای آنها کارت مشخصات صادر می شود مجبور کرد و آزادی «گروگانها» صورت حتمی بخود گرفت. (از آخرین مافورها و کارشکنی های محافل امریکائی میگذریم.) درست در چنین شرایطی است که هارولد براون اعلام می کند که:
«آمریکا باید تاسیس سپاه واکنش سریع را به سرعت دنبال کند، تا از منافع خود حراست کند و...»

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، یکی از نمایندگان به حضور صد هাজার افغانی در شرق کشور اعتراض و تاکید کرد که این افراد فرصت طلبانه به ایران آمده اند و با قاچاق و اخلاص در امور مختلف، زندگی مردم منطقه را مختل کرده اند.

در آغاز این جلسه، حجت الاسلام محمد مجتهد شبستری، نماینده مردم شبستر به عنوان اولین ناطق پیش از دستور سخن گفت. وی، ضمن انتقاد از شیوه فعلی ایراد نطقهای قبل از دستور، از جمله گفت:

«هیچ نهاد دیگری در قانون اساسی نمی بیند که از نظرات تباطش و نقشی به اندازه مجلس شورای اسلامی، نقش، اثر و اعتبار قانونی داشته باشد.»

وی افزود:
«نقش و وظیفه اصلی مجلس شورای اسلامی، حل مشکلات واقعی زندگی مردم است، مشکلاتی که پس از پیروزی انقلاب در ایجاد گوناگون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در مملکت پیدا شده است. با تبلیغ نمی شود یک نهاد را در جامعه جا انداخت. یک نهاد خودش باید در جامعه جا پیدا کند.»

حجت الاسلام محمد مجتهد شبستری پیشنهاد کرد:
«یک گام اساسی مجلس بردارد برای تشنج زدایی از میان خودیها... یک گام موثر می تواند این باشد که مجلس یک کمیسیون ویژه ای برای حل این قبیل مسائل تشکیل دهد و آن کمیسیون ویژه رسول تفاهم باشد. دوم تشکیل یک دایره سنجش افکار و بررسی مسائل... مجلس شورای اسلامی احتیاج به چنین دایره سنجش افکار و بررسی مسائل به شیوه علمی دارد.»

حجت الاسلام محمد مجتهد شبستری در پایان سخنانش گفت:
«همه بازگشت کنیم به این خط (خط امام) و این راه را برویم. در اینصورت مجلس قوت پیدا خواهد کرد و جا خواهد افتاد، زیرا مردم احساس می کنند که مجلس دارد مشکلات را حل می کند. این مجلس باید رسول وحدت و تفاهم باشد.»

ناطق دوم پیش از دستور فرضی پورمکئی، نماینده مردم آستارا، در سخنانش گفت:

«مهمترین مسئله ای که امروز دامنگیر جامعه ماست، امنیت قضایی است. البته این گفته، نه بمنزله تضعیف یک قوه است، بلکه صرفا انتقاد است و ارائه راه حل ها.»

وی افزود: «امنیت قضایی بطور خلاصه معنی اش حفظ جان و مال و ناموس و حیثیت مردم از تعرض است و این می تواند خودش عامل مهمی باشد در جهت حفظ وحدت ملی و انسجام یک ملت. اگر این را تقصیر نکنیم و حفظ نکنیم، بسیاری از مشکلات داخلی ما حل می شود و آن تئویشی خاطرها جای خود را به امنیت خاطرها خواهد داد.»

ناطق همچنین خواستار ادغام تمام مراکز قضایی در دادگستری شد و گفت:

«این امر به آن معنی نیست که ما توطئه چینان داخلی را همینچوری بگذاریم و مجال بدهیم هرکاری از دستشان برمی آید بکنند. بدان معنی نیست که هرکسی که بخواهد علیه انقلاب گام بردارد و توطئه ببیند، ولش کنیم و کاری بکارش نداشته باشیم.»

نماینده مردم آستارا سپس، به صدور احکام متناقض توسط دادگاههای انقلاب اشاره کرد و علت آنرا عدم وجود یک قانون مشخص و روشن دانست و خواستار تدوین هرچه سریعتر این قوانین شد.

وی سپس به تراکم کالاها در مرز آستارا اشاره کرد و خواستار فعال کردن گمرک این ناحیه به منظور جبران کمبودهایی که در کار گمرک جنوب ایجاد شده، گفت.

سپس اسدالله عالی پور، سومین ناطق قبل از دستور، درباره پیروزیهای نیروهای انقلاب در منطقه ایلام و فداکاریهای بیشمار مردم سخن گفت. وی از جمله گفت:

«عشایر ایل خضل که از عشایر بسیار سلحشور و رزمنده هستند، در طول ۳ ماه، داوطلبانه در مرزها حضور داشتند و دوش بدوش

امریکا با انقلاب...

پتیه از صفحه ۱
اسناد بدست آمده از لانس جاسوسی آمریکا نشان دادند که امریالیسم آمریکا، پیش از تسخیر لانس جاسوسی و «گروگان» گیری، نیز تمامی تلاش و قوای خود را برای نابودی انقلاب ایران بکار انداخته بود و سخنان هارولد براون اکنون نشان می دهد که آزادی جاسوسان «گروگان» امریکائی در این هدف هیچگونه تغییری پدید نیاورده است. سخنان هارولد براون نشان میدهد که «بهبانه» ها برای درنده ستاکی چون امریالیسم آمریکا، پایان ناپذیرند و تنها استواری و پایداری انقلاب، بر توطئه ها نقطه پایان خواهد نهاد و امریالیسم آمریکا را وادار به تسلیم در قبال آن خواهد نمود. از زمانیکه مجلس شورای اسلامی ایران، شرایط منطقی خویش را برای آزادی «گروگانها»

اعلام کرد تا امروز، قریب به ۲ ماه میگذرد، امریالیسم آمریکا، که پیش از یکسال به بهانه «انساندوستی» و دلسوزی برای «شهروندان گروگان امریکائی»، تلاش کرده بود تا افکار عمومی آمریکا و جهان را به حمایت از مداخلات گستاخانه خود در امر داخلی ایران جلب نماید و توطئه های براندازی خود را علیه انقلاب و جمهوری، اسلامی ایران توجیه کند، گزشتید تا از پذیرش شرایط جمهوری اسلامی ایران سر باز زند و با ایجاد جنجال تبلیغاتی گسترده ای، پیشنهادهای منطقی ایران را لوث کند و علیرغم امتناع از حل «مساله گروگانها»، به همین بهانه، بی سابقه ترین تدارکات را برای به رش نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران دنبال کند. اما افکار عمومی جهان، که هیچ چیز غیرقابل قبسولی در خواستهای ایران نمیدید، دولت آمریکا را به پذیرش شرایط

ضمیمه نامه مردم
دنیای شماره ۱۰۹۹ منتشر شد

این تجربه را خلق ما و رهبران صدیق و انقلابی به آسانی کسب نکرده اند. آنها از دامهای خطرناک بسیاری، که بمنظور انهدام کامل انقلاب و دستاوردهای آن توسط شیطان بزرگ، امریالیسم آمریکا گسترده شده بود، گذر کرده اند و نیت واقعی گرگ درنده را بخوبی می شناسند. آنها بخوبی میدانند که مسئله «گروگانها»، برخلاف تبلیغات امریالیستی و لبرالهای سازشکار، جز بهانه ای بیش نبوده است. و میدانند که آزادی «گروگانها»، را در نطفه خفه کنند.



تشکیل دولت انقلابی در السالوادور

فرمن سین فرگوس، یکی از رهبران جبهه آزادیبخش فاراپوندو-مارتی گفت: «بزودی یک دولت انقلابی در یکی از مناطق آزاد شده السالوادور تشکیل خواهد شد.»

فرگوس گفت: «در این دولت نمایندگان همه احزاب و سازمانهای سیاسی و اتحادیههای کارگری و روحانیون خواهند بود که علیه رژیم دست-نشانده امپریالیسم آمریکا در کشور مبارزه کردهاند.»

جبهه «فراپوندومارتی» در آخرین بیانیه خود تاکید کرد که جنگهای شدید میان پارتیزانها و مردم مسلح از یکسو و نظامیان مزدور رژیم و سربازان کشور گواتمالا و هندوراس، که وارد السالوادور شدهاند، از سوی دیگر، با شدت ادامه دارد و مابین دوستان پیروزیهای تازه ای بدست آوردهاند.

خبرگزاری پرسالائینا (کوبا) گزارش داد که مابین دوستان کنترل کامل یک چهارم کشور را بدست گرفتهاند. نیروهای مابین-دوست از سوی دیگر مواضع خود را در شهرها و روستاهای کوهستانی تقویت می کنند. در حالی که مابین دوستان پیروزیهای تازه ای بدست آوردهاند، رژیم السالوادور به جنایات خود علیه خلق می افزاید. ماموران رژیم زیر نظر کورشناسان آمریکایی به کلیساهایی که افراد بیگناه در آن پناه گرفته اند، حمله می کنند و به بمباران گسترده مناطق پرجمعیت مبادرت می ورزند.

آمریکا در روزهای اخیر دهها هلیکوپتر نظامی در اختیار رژیم دست نشانده خود در السالوادور قرار داده است.

آندره گرومیکو:

«سمت اصلی سیاست خارجی اتحاد شوروی تلاش برای خلع سلاح و قطع مسابقه تسلیحاتی است»

آندره گرومیکو، وزیر خارجه اتحاد شوروی، در مقاله ای در نشریه «کمونیست» خواستار تلاش برای خلع سلاح و قطع مسابقه تسلیحاتی شد و مبارزه در این زمینه را مسیر اصلی سیاست خارجی اتحاد شوروی خواند.

گرومیکو اضافه کرد: «اتحاد شوروی آماده است در این زمینه هر گام سازنده ای را که ضروری باشد، بردارد.»

وی گفت: «ما آماده ایم معاهده «سالت ۴» را با آمریکا تصویب کنیم.»

گرومیکو همچنین خاطرنشان ساخت: «اما ما نمی توانیم طرف کسی باشیم که هدفش بدور ریختن این معاهده است. ما یک طرف چنین مذاکره ای نخواهیم بود.»

گرومیکو گفت: «اتحاد شوروی آماده است در صورتی که آمریکا چنین تمایلی نشان دهد، بعنوان یک طرف برابر با آمریکا رابطه برقرار کند.»

وزیر خارجه شوروی خواستار مذاکره درباره موشکهای برد متوسط در اروپا و کنفرانس خلع سلاح و کاهش تسلیحات نظامی شد.

اعتراف کارتر:

امریکا با مشکلات حاد اقتصادی روبروست

جیمی کارتر در آخرین پیام سالانه خود به کنگره، اعتراف کرد که آمریکا با مشکلات حاد اقتصادی، بویژه تورم و کاهش روزافزون بارآوری کار و افزایش بیکاری روبروست.

کارتر در پیام خود نرخ افزایش تورم را ده درصد اعلام کرد. اما بسیاری از کارشناسان اقتصادی عقیده دارند که رقم واقعی بسیار بیشتر است.

در ده سال گذشته نرخ بارآوری کار همواره در حال کاهش بوده است.

در گزارش کارتر گفته می شود که کسری بودجه آمریکا در سال مالی جاری ۵۵ میلیارد دلار خواهد بود. کارتر در دوران مبارزات انتخاباتی وعده می داد که در سال ۱۹۸۱ بودجه آمریکا کاملاً معتدل خواهد بود. کارتر اعتراف کرده است که افزایش کسری بودجه در درجه اول ناشی از افزایش مداوم بودجه نظامی است.

از سوی دیگر، شورای مشاوران ریاست جمهوری در گزارشی اعلام کرد که نرخ تورم در سال جاری ۱۲٫۵ درصد بوده و نسبت بیکاری به ۸ درصد نیروی کار خواهد رسید. در این گزارش اعتراف شده است که آمریکا دیگر قدرت مسلط در اقتصاد سرمایه داری نیست. مشاوران کارتر می خواهند با این سخنان، که همه کشورهای سرمایه داری پیشرفته با مشکلات حاد اقتصادی روبرو هستند، مردم آمریکا را آرام کنند. این مشاوران در واقع می گویند: رشد تورم گرایش عمومی در کشورهای سرمایه داری است و بیکاری نیز در همه کشورهای سرمایه داری پیشرفته بیداد می کند.

بیکار مسلحانه خلق نامی بیا به رهبری سواپو (۲)

«سواپو» بیکار مسلحانه خلق را سازمان میدهد

سازمان «سواپو» در سال آغاز بنیانگذاری، تنها به شیوه مبارزه مسالمت آمیز تکیه داشت. در این دوران، رهبران «سواپو» با شرکت در کارزارهای اعتراضی و تحریم وسایل حمل و نقل و سینماها، توانستند اعتماد ژرف توده های مردم و دیگر سازمانهای سیاسی کشور را به خود جلب کنند و کارایی سازمان «سواپو» را به نمایش بگذارند. طی مدت کوتاهی، ده سازمان سیاسی دیگر به «سواپو» پیوستند، از آنجمله: سازمان خلق آفریقائی نامی بیا، حزب خلق دیپوئوت، گروه ویتوبی، گروه هواچاناس، گروه والگراس، حزب دمکراتیک نامی بیا و انجمن بقای جاماها...

بدین ترتیب، «سواپو» هر روز در بین توده ها از اعتماد و پشتیبانی بیشتری برخوردار می شود و در صحنه مبارزات سیاسی کشور وزن و اعتبار چشمگیری بدست می آورد. همروند با کامیابی های پیایی جنبش های آزادیبخش در ده کشور مستعمره آفریقائی از طریق مبارزه مسلحانه، و تغییر تناسب قوا به سود نیروهای صلح و سوسیالیسم در عرصه جهانی، خلق نامی بیا نیز به رهبری «سواپو» بیکار مسلحانه آزادیبخش خود را آغاز کرد.

سام نوجوما در این باره گفت:

«سائهای طولانی ما از استعمارگران آفریقائی جنوبی دعوت می کردیم که به ندای ما گوش فرادهند. اما گوش آنها ناشنوا بود. از خلق ما تصمیم گرفته است که به رهبری «سواپو» به مبارزه مسلحانه دست یازد.»

در سال ۱۹۶۴ (۱۳۴۳)، نخستین اردوگاه تربیت پارتیزان «سواپو» در برخی از کشورهای مستقل آفریقائی بوجود آمد. در سال بعد «سواپو» از جانب «سازمان وحدت آفریقائی» بعنوان یکانه نماینده قانونی خلق نامی بیا بر رسمیت شناخته شد.

سرانجام دو کنگره «ویندهوک»، در سال ۱۹۶۶ (۱۳۴۵) و «تاتنگا» در سال ۱۹۷۰ (۱۳۴۹) مبارزه مسلحانه را، بعنوان عالی ترین شیوه بیکار آزادیبخش، ارزیابی کردند. نظر به گسترش پدیده مبارزه مسلحانه، تشکیل «ارتش آزادیبخش ملی» برای آزادی سراسر نامی بیا نیز به تصویب رسید. کنگره «تاتنگا»، ضمن محکوم ساختن اقدامات دولتهای امپریالیستی در پشتیبانی از جمهوری آفریقائی جنوبی - این عامل جنایت، کشتار و اشغال غیرقانونی نامی بیا،

اینک، رزمندگان ارتش آزادیبخش ملی بر رهبری «سواپو» هر روز کامیابی های نوینی بدست می آورند و ناتوانی ارتش ۸۶۰۰۰ نفری آفریقائی جنوبی، علیرغم صرف بودجه عظیم ۳ میلیارد دلاری، کمک گرفتن از ضدانقلابیون آنکولا (اوتینا) و کاربرد انواع جنگ افزارهای مدرن در سرکوب نهضت پایداری خلق نامی بیا، نمایان تر می شود. بر این اساس، پی پیروتا، نخست وزیر آفریقائی جنوبی، از سر خشم، در مصاحبه با هفته نامه آمریکائی «نیوزویک» اعلام داشت:

«اگر لازم باشد هر نوع سلاح، حتی سلاحهای نامی را نیز برای حفظ سیاست آپارتاید بکار خواهیم برد.» (نیوزویک، ۲۹ سپتامبر ۱۹۸۰)

دولت آفریقائی جنوبی، برای اعمال سیاست ضدبشری خود و تحکیم مواضع نژادپرستان، طی یورشهایی به بازداشت، شکنجه و کشتار مبارزان دست می زند. تنها در ۱۹۶۸-۱۹۶۷ بیش از ۵۰۰ تن تحت پیگرد و شکنجه قرار گرفتند. دولت نژادپرست آفریقائی جنوبی، با توسل به حربه زنگار بسته نقض «قانون تروریسم» مابین دوستان را به کرسی اتهام می نشاند ولی این سیاهکاریها نه تنها هیچ خللی به اراده استوار خلق نامی بیا وارد نمی سازد، بلکه موجب تشدید بیکار انقلابی مردم بخاطر تحقق اهداف والایشان می گردد. سام نوجوما، درباره حساسه بیکار و پایداری مردم نامی بیا به رهبری «سواپو» چنین می گوید:

«روزی که تاریخ نامی بیا آزاد و مستقل نوشته شود، مشخص می گردد که «سواپو» در-چایکه دیگران سر فرود آوردند، با استواری مقاومت کرده است، و در راه مقدس آزادی آنجا که دیگران تن به سازش دادند، «سواپو» جانبازی کرده است.»

ادامه دارد

همبستگی جهانی با مبارزه خلق افغانستان

سازمان همبستگی خلقهای آسیا-آفریقا، خواستار همبستگی جهانی با مبارزه خلق افغانستان علیه ضدانقلاب، امپریالیسم و ارتجاع جهانی شد. دبیرخانه سازمان در بیانیه ای یادآور شد که لازم است همبستگی جهانی با مردم افغانستان هرچه بیشتر گسترش یابد. این سازمان مبارزه قاطع مردم افغانستان را علیه فئودالیسم مورد ستایش قرار داد.

سومالی پایگاه امپریالیسم امریکاست

اتیوپی ادعاهای رژیم سومالی را مبنی بر اینکه گویا اتیوپی در مرزهای سومالی نیرو متمرکز می کند، کذب محض خواند. وزارت خارجه اتیوپی در بیانیه ای اعلام کرد که این شایعات برای گمراه کردن افکار عمومی جهان درباره مقاصد واقعی سومالی پخش می شود. سومالی می خواهد باین ترتیب، اعطای پایگاه به امپریالیسم آمریکا و دریافت سلاحهای مدرن از آمریکا را بپذیرد.

پیشرفتهای اقتصادی جمهوری دمکراتیک آلمان

ارقامی که در جمهوری دمکراتیک آلمان منتشر شد، نشان دهنده افزایش هرچه بیشتر سطح رفاه مردم این کشور است. برنامه دولت در سال گذشته تقریباً در همه رشته های اقتصادی اجرا شد. تولیدات صنعتی ۷٫۴ درصد افزایش یافت. دستمزدها نیز به طور متوسط ۳٫۳ درصد بالا رفت. در سال جاری تولیدات صنعتی دست کم ۵ درصد افزایش خواهد یافت.

مبارزات مردم شیلی علیه رژیم پینوشه گسترش می یابد

مردم شیلی مبارزه علیه دارودسته فاشیستی پینوشه را افزایش می دهند. تقریباً هر روز شهر سانتیاگو و دیگر شهرهای بزرگ این کشور صحنه تظاهرات مردم علیه رژیم جنایتکار پینوشه است. در چند روز اخیر در جریان تظاهرات مردم و درگیری با ماموران پلیس، شصت تن زخمی شدند. همچنین دهها تن دیگر توسط ماموران پلیس پینوشه بازداشت شدند.

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر پوزدانی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه مردم)
هنوز در اختیار نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM

No. 425
21 January 1981

Price:	
West-Germany	0.80 DM
France	2 Fr.
Austria	8 Sch.
England	20 P.
Belgium	10 Fr.
Italy	350 L.
U.S.A.	40 Cts
Sweden	1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی
۱/۳۵۵۱، منطقه
۱۴ پستی تهران